

قوچ کوراوغلی سیزدن فورخماز اوره‌یی
حق یانیندا قبول اولسون دبلگی
حسن حسین عرش کرسوسی دیرگی
کیربلاده شهید ائتمدون دنیا؟

کوراوغلی دل‌اوریمی از شما به دل راه نمی‌دهد
حق آرزویش را بسر آورده سازد
حسن و حسین را که ستون کرسی عرش هستند
مگر تو در کربلا شهید نکردی، دنیا؟

کوراوغلی شعر را تمام کرد و کلمه شهادتش را گفت. الماس خان و بهرام خان سر کوراوغلی را گوسفندوار بریدند. تا که سر کوراوغلی را ده بیست روز نگهداشتند، بعد از آن الماس خان و بهرام خان سر کوراوغلی را برداشته، به پیش شاه بردند.

به شاه خبر بردند که الماس خان و بهرام خان رفته بودند سر کوراوغلی را آورده‌اند. شاه فرمود بیاورید. سر کوراوغلی را به میان سینی گذاشته، به پیش شاه بردند. از سر کوراوغلی در آن ساعت یک قطره [خون] بجست [و] به دامن شاه افتاد. شاه عباس این را [که] دید، در دلش گفت: این خون ناحق است [که] بر دامن من افتاد. شاه از الماس خان پرسید که کوراوغلی را به چه نحو کشتی؟ [کشتید] الماس خان گفت: شاه سلامت باشد، به چاملی بئل رفتم [رفتیم]، کوراوغلی را کشتم [کشتیم] و سرش را آوردم [آوردیم]. شاه گفت: دروغ می‌گویید، شما آن قدر جرأت ندارید که به چاملی بئل بروید و کوراوغلی را بکشید. شاه فرمود: هر دوی این‌ها را بگیرید! الماس خان و بهرام خان را گرفتند، به پایشان کنده و به گردنشان دو شاخه زدند و به زندان انداختند. شاه عباس دفعتاً (بلافاصله) رقم نوشته، چاپاری تعیین فرموده، به چاملی بئل فرستاد تا که از چاملی بئل خبر کوراوغلی را بیاورد. چاپار قطع مراحل و طی منازل نموده، به چاملی بئل آمد. به عیوض خبر بردند که از پیش شاه عباس چاپار آمده است. عیوض گفت: چاپار را بیاورید. فی‌الغور چاپار را به پیش عیوض بردند. چاپار رقم شاه را به عیوض داد. عیوض رقم شاه را زیارت نمود، دید که شاه عباس در رقم نوشته است که احوال کوراوغلی را به من حالی و بیان نمایند. عیوض این مطلب را که دید، رنگ روی عیوض متغیر شد. عیوض گفت: آیا بر سر کوراوغلی چه آمده است؟ عیوض یک عربضه به خدمت شاه نوشت. دمورچی [دمیرچی] اوغلی و کمچی [گمبچی] اوغلی و بلی احمد و عیسی بالی و دلی مهتر جمع شدند، به اتفاق چاپار منزل به منزل به اصفهان آمدند.

روزی از روزها به اصفهان رسیدند. به شاه عباس خبر آوردند که شاه سلامت باشد، چاپار به چاملی بئل فرستاده بودید، آمد و پنج نفر هم از دلی‌های کوراوغلی آمدند. شاه فرمود [آن‌ها را] به پیش من بیاورید. دفعتاً دلی‌ها را به حضور شاه آوردند و [آنها] به شاه کرنش نمودند. شاه به ایشان خیلی نوازش نمود و از ایشان پرسید که: پس کوراوغلی جلالی خودش چه طور شد؟ ایشان به شاه عرض کردند که شاه سلامت باشد، کوراوغلی توبه و انابه نمود که دیگر بعداً شمشیر را از غلاف بیرون نکشد و به خدمت شاه بکشد و تنها آمد که مدتی در خدمت شاه بماند. بعد از آن به مکه برود، بعد بیاید به نماز [و] نیاز مشغول شود.

شاه فرمود سر کوراوغلی را آوردند، بر زمین گذاشتند و به دلی‌ها [گفتند] که این سر کوراوغلی است یا نه؟ دلی‌ها بر سر تماشا کردند، دیدند که سر کوراوغلی است. در آن اثنا دلی‌ها در حضور [شاه] نوحه و شیون کردند. تمامی اهل اصفهان گریه کردند. شاه الماس خان و بهرام خان را به دلی‌ها داد. دلی‌ها هم در پیش [چشم همه] هر دو را ریزه‌ریزه کردند. شاه لعنت‌نامه کرد که بعد از این هیچ کس از قورو یکت حبه و دیناری طمع و توقع نکنند و سر کوراوغلی را در قورو به نعش او ملحق کردند و یکت گنبدی در سر قبر کوراوغلی ساختند. پس شاه به دلی‌های کوراوغلی خلعت داد و حکومت چاملی بئل را به نام عیوض نوشتند و برای عیوض خلعت فرستاد.

نسخه ککلیدزه

در صفحات ۱۱-۳۱۰ کتاب اشاره‌ای شده است به نسخه ککلیدزه. اصل این نسخه در انستیتوی دست نوشته‌های ککلیدزه آکادمی علوم جمهوری گرجستان نگهداری می‌شود و میکروفیلم آن در سال ۱۹۸۹، هم‌زمان با انتقال میکروفیلم نسخه پاریس خودزکو به انستیتوی ادبیات نظامی آکادمی علوم آذربایجان به همین انستیتو منتقل گردیده است.

این نسخه از ۳۸۴ ورق، یعنی ۷۶۸ صفحه تشکیل یافته، به خط ثلث آمیخته با نسخ و به صورتی تمیز نوشته شده است. به نظر دلارا علی‌یوا، که نسخه را مورد بررسی قرار داده، با توجه به مهرهای کاغذ نسخه، نگارش آن در نیمه اول سده نوزدهم انجام گرفته است؛ اما زبان آن به زبان حماسی پیش از قرن نوزدهم مانده است و بنابراین می‌توان حدس زد که نسخه از روی نسخه ناشناخته دیگری رونویسی شده است. وی براساس همین دریافت و گمان نتیجه‌گیری کرده است که نسخه مورد بحث، قدیمی‌ترین نسخه کامل مکتوبی به شمار می‌رود که تاکنون شناخته شده است. ناگفته نماند که نسخه فالاد نام‌کاتب و تاریخ نگارش است.

نسخه مورد بحث مشتمل است بر ۲۸ مجلس که غالب ماجراهای زندگی کوراوغلو، از ولادت تا مرگ را دربر می‌گیرند. این روایت دارای بعضی مجلس‌های جدیدی چون سفر کوراوغلو به تخت سلیمان، سفر به تخت سلیمانیه، دو سفر به داغستان، قهر کردن عیوض، دزدیده شدن قیرآت (دو سفر)، رفتن به قازلی‌گؤل، خواب دیدن کوراوغلو و ... در مجلس اخیر کوراوغلو بعد از قورت دادن حباب سرخ روی آب به هوش می‌رود و در عالم خواب، عاشیقی، صدای خوب و ذکاوت به او عطا می‌شود. ضمناً، مجالس شناخته شده این روایت دارای اپیزودهای نو است.

نام کوراوغلو در این روایت غالباً جلالی کوراوغلو نوشته شده و او در چند جا خود را از قبیله تکلو دانسته است. پدرش هم، که در این جا میرزاییک نامیده شده، مهتر شاه عباس بوده و به دستور او و نه حسن پاشاکور کرده شده است. کوراوغلو هم به منظور گرفتن انتقام ستمی که بر پدرش رفته بود، به کوه زده است. با توجه به سرکوبی قزلباشان و از آن جمله ایل تکلو به دست شاه عباس، باغی شدن کوراوغلو بر ضد او قابل درک و توجیه است.

نکته قابل توجه دیگر این که، زبان اثر به لهجه ترکی آذربایجانی - تبریزی است و ضمن آن که بخش‌های به نثر نوشته آن دارای واژه‌های فارسی زیاد است، عناوین مجالس هم به فارسی داده شده است. دلارا علی‌یوا با توجه به این نکات که نام گرجستان و آبادی‌های مختلف آن بارها در مجالس مختلف ذکر گردیده و حضور آذربایجانیان ایرانی فراوان در تغلیس نیمه اول سده نوزدهم، این روایت را دارای منشاء آذربایجان ایران و به ویژه، مرکز آن تبریز می‌داند.

دلارا علی‌یوا در سال ۱۹۸۹ ادعا کرده است که نسخه مورد بحث را برای چاپ آماده کرده و مجلس چهاردهم آن را به تلخیص، در شماره مورخ ۱۶ اکتبر ۱۹۸۹ هفته نامه ادبیات و اینجه صنعت و نیز در شماره مورخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۹۲ هفته نامه ادبیات بالقابای سیریلی منتشر ساخته است. وی بر آنست که انتشار این نسخه در تاریخ ادبیات خلق‌های ترک مرحله جدیدی به شمار آمده، نه تنها برای کوراوغلو شناسی بلکه برای مورخان و زبان‌شناسان دوره تاریخ قرون وسطی نیز جالب بوده، موضوع پژوهش‌های مختلف قرار خواهد گرفت.

کوراوغلو در شعر لانگ فلو

لانگ فلو^۱ (۱۸۰۷-۸۲) شاعر آمریکایی که با زبان‌های فرانسه، اسپانیایی و ایتالیایی آشنایی عمیق و به ادبیات خلق‌های جهان علاقه و صف‌ناپذیر داشته و شاهکارهایی چون کمدی الهی را به زبان انگلیسی ترجمه کرده، منظومه‌ای دارد تحت عنوان «پرش روشن بیکه». این منظومه از ۱۴ بند سه بیتی تشکیل شده است؛ بندهایی که دارای حال و هوای بندهای حماسه کوراوغلو هستند. این منظومه بی‌گمان پس از آشنایی لانگ‌فلو با ترجمه معرفی شده خودزکو و احیاناً با الهام از مجلس سوم آن روایت سروده شده است.

مجلس مذکور شرح جریان آوردن عیوض از اورفه به چاملی‌بئل است. خواجه یعقوب بازرگان، برادر خوانده کوراوغلو، عیوض را، که قصاب‌زاده‌ای بوده خوش اندام و آراسته، می‌بیند و از یک نقاش می‌خواهد تا صورت او را برایش ترسیم نماید. بعد هم تصویر را برمی‌دارد و روانه چاملی‌بئل می‌شود. وقتی او توصیف عیوض را به کوراوغلو می‌کند، وی می‌گوید: «تو این پسر را این قدر تعریف می‌کنی، یعنی پنج تومان یا ده تومان نداشتی که به یک نقاش بدهی تصویر پسر را بکشد، برای من بیاوری؟ سوداگر عرض کرد که ای جلالی کوراوغلی تصویر آن پسر را کشیده، آورده‌ام... و کوراوغلی اجاق کور که دنبال جوان برومندی می‌گشته که به اولادی قبول نماید، به دیدن تصویر عیوض دل به او می‌بازد و به سراغ او روانه اورفه می‌شود. لباس‌هایش را با چوپانی عوض می‌کند و با فیافه چوبداری روشن بیگ نام به شهر می‌رود و عیوض را به قراری که در این مجلس آمده با استفاده از پول دوستی میرابراهیم قصاب، پدر او، به ترفند از قلعه بیرون می‌کشد و سوار بر ترک زین کرده، راه چاملی‌بئل را در پیش می‌گیرد. قصاب به ریحان عرب «سرکرده مشهور» که آن روز با پنجاه و شصت سواره به شکار رفته بود، متوسل می‌شود و او به تعقیب کوراوغلو می‌پردازد. کوراوغلو همچنان که پیش می‌ناخته، از پایین افتادن گوش‌های قیرآت متوجه می‌شود که ریحان عرب با مادیان خود سردرپی او نهاده است. در این حال فوجی غاز را در آسمان مشاهده می‌کند و در دل می‌گوید که «اگر این عیوض نصیب من است در روی هوا یک خروس این فاز (غاز) را من با تیر کمان می‌زنم. اگر نصیب من نیست تیر من خالی برمی‌گردد. از ترکش خدنگی بیرون آورده، بر سر کمان گذاشته، [رها کرد]، چنان که تیر از شست کوراوغلی بیرون رفت، به یک خروس آن قازها برخورد، همان ساعت از روی هوا به زیر ناخن [اسب] کوراوغلی، به زمین افتاد، کوراوغلو غاز را برداشت و... پرهای جقه غاز را کند و... [آن‌ها را] به اطراف عرقچین [عیوض] نصب کرد... عیوض به کوراوغلو گفت: «ای کوراوغلی نام ترا بسیار مرد شنیده‌ام. نمی‌دانم مرا مرد ننگه‌خواهی داشت یا نامرد؟ کوراوغلی به عیوض گفت:

ترا دیدم دلم تسلی یافت سنی گوردوم اوره ک تسلی تسلی
[ایل] تکلوترا پسر و من را پدر بیاید ... سن اوغول من آتبولون تکللی ...

«... راه کوراوغلو یک دربندی بود و سر دربند پل بود. راه گذر کوراوغلی از آن جا بود و از طرف دیگر راه نبود. می‌بایست کوراوغلی بیاید از آن جا بگذرد. ریحان عرب چون [به منطقه] بلد بود، راه‌های راست را گذاشته، ازین راه [میان‌بر] آمد [و] سر پل را با سوار خود گرفت... [کوراوغلو وقتی به سر پل رسید و دید که نمی‌تواند از آن جا بگذرد] به قیرآت تازیانه زد، [اسب] جستن کرد و بر سر کوه رفت... [کوراوغلی] دید از هیچ طرف این کوه گذری ندارد که به پایین بیاید. پایین کوه یک دره‌ای بود که دوازده

زرع عرض داشت و طولش صد زرع می‌شد. کوراوغلی با عیوض بر سر کوه ماند. ریحان عرب به آدم‌های خود گفت، جان من جوانان، در همین جا بنشینید [کوراوغلی] دیگر راه گذری ندارد. یا در آن جا می‌میرد یا به پایین می‌آید. سه روز کوراوغلی در سر آن کوه ماند. قیرآت در سر کوه ناخوش شد. کوراوغلی روی خود را به طرف قبله گردانیده، مناجات کرد که پروردگارا اگر اجل من رسیده باشد، [دربین] اهل نسنن مرا مرگ مده. از صفای باطن مرتضی علی قیرآت چاره شد. کوراوغلی نگاه کرد، دید که قیرآت می‌چرد. کوراوغلی به کنار دره آمد، دید که دره دوازده زرع فاصله دارد. اگر قیرآت خود را از این طرف دره به آن طرف انداخت، فیها، عیوض را [به جاملی بئل] خواهد برد، و گرنه به دره افتاده، کوراوغلی و عیوض و قیرآت هر سه هزار پارچه خواهند شد. کوراوغلی به قیرآت سوار شد و عیوض را به ردیفش (ترکش) کشید و او را محکم به کمر خود بست. کوراوغلی بک شعر ترکی به (برای) قیرآت گفته، در آن جا گفته است:

از پدر بدو^۱ است از مادر کهلان^۲
 قیرآت مرا به جاملی بئل برسان، هی
 میان بیگانگان و درون‌مه تیره مگذارم
 قیرآت مرا به جاملی بئل برسان، هی
 وقتی ریحان عرب آواز کوراوغلی را شنید، خندید و [خطاب] به کوراوغلی گفت: ای مادر [به
 خطا] ... و به آدم‌های خود گفت که: بچه‌ها کوراوغلی به ضرب افتاده که می‌خواند. حال خودش به راه
 می‌افتد [و با پای خود] پایین می‌آید. کوراوغلو به قیرآت گفت:

الهی داغت را نیییم
 با مخمل بپوشانم چپ و راست را
 دست و پایت را با نقره نعل کنم
 قیرآت مرا به جاملی بئل برسان، هی
 الهی گورمیوم سنون داغوری
 مخملدن چولئوم سولی ساقوی
 گوموشدن نعللی ییم ال یالاقوی
 قیرآت من جاملی بئله یئیر، هی

فسامتش به نسی ماننده است
 چشم من منخنث را در منسی آورد
 اصلش کهلان یا که از نژاد دلدل است
 قیرآت مرا به دیوانه سران برسان، هی
 فارفودان چکیلن اونسون سویی دور
 منخنث اولانسون گوزین اویسی دور
 اصلی کهلان یوخسا دلدل سویی دور
 قیرآت من دلی لره یئیرهی

ای که بر پشتش جل مخمل برانیده‌ام
 و شراب سرخش را سیلاب‌وار خورده‌ام
 کوراوغلو گوید از میان پانصد اسب برگزیده‌امش
 قیرآت مرا به جاملی بئل برسان، هی
 کوراوغلی ترکی (ترانه) را تمام کرده، قیرآت را بنا کرد به گردانیدن. چشم ریحان عرب در
 کوراوغلی بود. دید که کوراوغلی می‌خواهد قیرآت را از این طرف به آن طرف جستن دهد. ریحان عرب به

آدم‌های خود گفت که: بچه‌ها رأی کوراوغلی این است که اسب را به آن طرف جستن دهد. اگر این جرأت را نمود، از این دره اسب را جهانید، من برای یک بچه عثمانلو با این چنین جوان [مرد] بد مغنه گئی نمی‌کنم. اگر جرأت کرد و اسب جستن نمود، من خودم عیوض را پیشکش می‌کنم به کوراوغلی بردارد و ببرد. اگر هم به دره افتادند، هر سه هزار پاره خواهند شد ... پس ریحان عرب به قیرآت با دوربین تماشا می‌کرد. دید که قیرآت را آن قدر گردانیده، دهنش کف کرده؛ کوراوغلی به قیرآت یک تازیانه زد؛ قیرآت از دور آمده، مثل غریبار [؟] جمع شده، مثل آهو چهار دست و پایش [را] غنچه‌وار نمود، خود را از این طرف به آن طرف دره انداخت؛ بلکه دو زرع هم از کنار دره به آن طرف افتاد. ریحان عرب گفت:

آفرین خدای بر پدری که تو [را] پرورد، مادری که تو [را] پرورد] ... حلال باشد عیوض را بردار [و] برو.

دید که کلاه کوراوغلی هم از سرش حرکت نکرد. کوراوغلی عیوض را برداشت [و] رفت ...^۱ مجلس مذکور خودزکو، که دیدیم در تبریز ثبت گردیده، شباهت‌های زیادی با روایتی که م.ح. طهماسب در جمهوری آذربایجان ثبت کرده و تحت عنوان «آورده شدن عیوض به چنلی‌بئل» در مجموعه خود آورده، دارد. در روایت اخیر وقتی عاشیق جنون ناراحتی نگار خانم و کوراوغلو را از بی‌فرزندی مشاهده می‌کند، در جستجوی فرزند خوانده‌ای برای آنان برمی‌آید و سرانجام عیوض را که پسر قصابی علی نام بوده، در اوبه‌ای از اوبه‌های تکه ترکمن پیدا می‌کند و چون نشانه‌هایش را به کوراوغلو می‌دهد، کوراوغلو به تنهایی برای آوردن عیوض، که خود پهلوان قوی پنجه‌ای است، می‌رود و او را کم و بیش به فراری که در روایت خودزکو ملاحظه شده، فراری می‌دهد. در روایت اخیر، وقتی پدر عیوض متوجه می‌شود که برنده پسرش کوراوغلو است، به ناچار رضایت می‌دهد و می‌گوید: «ببرش، اما مواظبش باش!» در این روایت هم عرب ریحان، یکی از بیگ‌های ترکمن همچنان به تعقیب کوراوغلو می‌پردازد و کوراوغلو برای آزمون بخت خود درنای پشاهنگ فوج درناها را نشانه می‌رود و می‌زند و موهای کاکل آن را به کلاه عیوض نصب می‌کند. کوراوغلو وقتی می‌خواهد از پرتگاه بگذرد شعرهایی خطاب به قیرآت می‌خواند که از این قرار است:

پشت سرم دشمن غدار، روبه‌رو پرتگاه	آرخام قاری دشمن، قاباخ اوچوروم
ببر مرا به چنلی‌بئل قیرآتم	آپسارچنلی‌بئله منی قیرآتمیم
به تو پناه آورده‌ام، از این جا نجاتم بده	سینه سیفینمیشام قورتاربوداردان
ببر مرا به چنلی‌بئل قیرآتم	آپسارچنلی‌بئله منی قیرآتمیم

چنلی‌بئل خالی از ساز و صحبت نمی‌شود	اولور چنلی‌بئلین صحبتی سازی
بهار و تابستانش چالاک می‌آید و می‌رود	گلیر گمراه گشچیر بهاری سازی
عیوض دلاور را به ترک گرفتارم	آلمیشام ترکیمه اپکید عیواغسی
ببر مرا به چنلی‌بئل قیرآتم	آپسارچنلی‌بئله منی قیرآتمیم

۱- جملات و عبارات بین گیومه از نسخه خطی روایت خودزکو نقل گردیده است.

زحمت کوراوغلو ضایع نشود
 باید خون در دل بیگ و پاشا کنم
 پرندوار بهر به آن سو
 ببرمرا به چنلی بل قیرآتم
 کوراوغلو بتواند از این پرتگاه جان سالم به دربرد، من دیگر دست روی او بلند نمی‌کنم. اما پس از عبور کوراوغلو باز به تعقیب او می‌پردازد. کوراوغلو سرانجام برمی‌گردد و او را در جنگ تن به تن و به زور نعره از پای درمی‌آورد؛ اما به ملاحظه این که برای نجات خود التماس نمی‌کند، او را می‌بخشد. عرب ریحان عهدشکنی را باعث شکست خود می‌داند و ...

صحنه گذشتن کوراوغلو از پرتگاه در ذهن شاعرانه لانگ فلو جان و جلای دیگری یافت. منظومه احساس انگیز او از مرزهای آمریکا فراتر رفت. ابتدا به روسی ترجمه و منتشر شد و سپس جعفر جبارلی (۱۸۹۹-۱۹۳۴)، شاعر، نویسنده، نمایش‌نامه‌نویس و بنیان‌گذار مکتب رئالیسم سوسیالیستی در تئاتر آذربایجان، آن را از همان زبان به ترجمه آزاد در قالب شعری تحت عنوان «روشن بیگ - کوراوغلونون آنلایشی» (پرش روشن بیگ - کوراوغلو) ریخت و سروده خود را در شماره ۶۷ سال ۱۹۲۸ مجله انقلاب و مدنیت به چاپ رساند. بعدها شاهین خلیلوف، همان منظومه را از متن انگلیسی با عنوان «روشن بیگین آنلانسای» (پرش روشن بیگ) ترجمه کرد و در یکی از شماره‌های سال ۱۹۸۸ روزنامه کورپو منتشر نمود.^۱

در زیر بندهایی از هر دو ترجمه نقل می‌شود:
 از ترجمه جبارلی:

۱

بیلدیریم چاهارلی کولک گئدیشلی
 قیرآت سانکی یوروویور اوچویور
 اوزریسنده فولدورباشی کوراوغلو
 باش گؤتورموش دشمانلاردان قاجی‌یور

ناختش چون برق و رفتش چون باد
 قیرآت انگار پرواز کند همچون باد
 کوراوغلوی فولدور باشی سوارش
 از دست دشمنان می‌کند فرار

۱۴

یوز ییگیت چاپور دالنجه ایواه
 ریسمان دی یور لاله الاله
 آرخیانولوم فارشی نولوم یوق پناه
 آمانسز دشماندان یوخدور پناهی

صد دلاور به دنبالش تازانند
 ریسمان گوید: لاله الاله
 پشت سر مرگ است و روبه‌رو هم مرگ
 پناهنش نباشد از ظالم دشمن

۱۶

آرقامزجا چاهارآتیلار یوروویور
 قیرآت بسیزی یاغی دشمان ایزلی‌یور
 قارشیمیزدا بیر اوچوروم دورویور
 بیرجه قیرآت سنه گلیر گمان، هی!

اسبان تازنده به دنبالمان
 قیرآت دشمن ردمان را می‌زند
 پرتگاهی در برابر ایستاده
 تنها امید به تو باشد قیرآت، هی!

۱- هر دو ترجمه را دوستم غلام رضا بوداغی به لطف در اختیارم گذاشته است.

۲۰

اوندا قیرآت دؤرت آباغین توپلادی
بیر قیریم دایاندی قولاق چاتیلدی
گؤزلریله نوز یولونو نولچهره ک
بوش هوانسین قوجاغینا آتیلدی

۲۳

بو سرت آتلانیشدان چاتیلدی فاشلار
گؤرنلر شاشیردی هرلندی باشلار
قیر آتین نالیندان قوپوتوداشلار
چایا یووارلانسیب اولدونسهان، می

۲۷، بند آخر

ریحان شامیش هنج نفی دویولماز
والله دثیر آدام بسوندان ایز بولماز
کور دوستان دا کور اوغلیا تای اولماز
آمانسیر دشماندیر، اوندان امان می

دست و پهای خود را قیرآت جمع نمود
لمظه‌ای ایستاد و گوش‌ها تیز نمود
راهش را یک سره به دیده پیمود
در آغوش هوا او پرواز نمود

زین جهش ابروان به هم برآمد
ببینده حیرت کرد سرها گگیج رفت
سنگ‌های کهنه بانعل قیرآت
سوی رود غلتید و از نظر گم شد

ریحان حبس کرده نفس در سینه
و خدایاه می گوید نیست پشاش پیدا
در کردستان کور او غلو است بی همتا
بی امان دشمن است الامان از او
از ترجمه شاهین خلیوف :

۱

دلی باشی، ائیلین اوغلو
ایگیت روشن قوچ کور اوغلو
میندی قیوراق قیر آتینا
دشمنلرین گؤزوقالیدی
نوزوردونا او اوز آلدی
چاتینجا او مرادینا

دیوانه سرها را سرور، فرزند خلق
روشنی مرده کور او غلوی دشمن شکن
چست و چالاک سوار شده، او بر قیرآت
چشم دشمنان خیره شد
روی نهاد سوی وطن
چون که رسید به مرادش

سانکی قیرآت قیزیل قوشدو
گدیکلردن سئل تک اوچدو
چکدی توزدان دومان یولا
آت کیشین شرف شانی
دگیشدیرمز روشن اونو
نه گؤزلله، نه قیزیللا

قیرآت انگاریک شاهین است
چون باد پرید از گدوک‌ها
پرده بر راه، کشید از گرد
شرف و شأن مرده است اسب
روشن عوض نکندش
نه با زیبا، نه با دختر

۵

اوچوروما یستیردیکده
بیتیر بورداسون گدییک ده
اوتسوز آددیم باشدان باشا
سئل هایقیریر کورکهریک
اوچورومو گنچن گرگ
بوش هوانسی باریب آشا

چون که رسید به پرتگاه
به پایان پسین گدوک
سی گام از این تا آن سرش
سپیل جاری غرش کنان
هر که خواهد گذر کند
باید پرد او از هوا

۱۱

فسیرات سمانکی عثمان آشدی
 آسمانلا قوجاقلاشدی
 گزیده اوچجان قوشویدومو؟
 آچسیدی آباق دوشدو باباق
 ساغ بوتایدان، ساغ اوتایا
 ساپان داکسی داشیدی می؟

فسیرات گذر کرد از عثمان
 بسا آسمان هم آغوش شد
 پسرند ببود؟ پرواز می کرد؟
 پاگشودن همان بود و فرود آمدن هم همان
 از این کنار سالم برخاست در آن کنار سالم نشست
 بر فلاخن سنگ بود انگار؟

۱۲

فیلینجینا تیز ال آتیدی
 باشی اوسته او اویسناتدی
 سمانکی بر آن سؤکولدو دان
 خیال اییدی پسونخا نیدی؟
 اوچسبدو گزیده، غمیرییدی
 آشیب کتجدی سیلدیریمدان

شمشیرش را در دم کشید
 بالای سرتکان دادش
 این دم انگار سبیده زد
 خیال بود؟ یا که چه بود؟
 در آسمان پرواز کرد، شگفت انگیز
 پرتگاه را در پشت سر نهاد قیرات

۱۴ بند آخر

نفسینی دریب پنهان
 حیران حیران عسرب ریحان
 دئدی الله اولماز اولماز
 بیله قوچاق جومردهانی؟
 آختارامان ائل اوبانی
 کوراوغلو یا تئای تاپلماز

نفس در سینه پنهان کرد
 عرب ریحان حیران حیران بر زبان راند:
 خدای من! نمی شود، نمی شود!
 چنین مردی، دلوری شود پیدا؟
 اوبه ها را بگردی گور
 همتای او نتوان یافت

کوراوغلان در شمال آفریقا، یادداشت زیر را دوست دانشمند دکتر یوسف رحیملو در اختیارم گذاشته اند:

اتراک و اولاد بردگان بومی (زنان محلی) معروف به کوراوغلان: سلطان به افراد اجاق های ارتش خود می گوید: «قوللمه یعنی بردگانم. الجزایری ها این کلمه را تحریف کرده اند به کوراوغلان. (پاورقی ۲- در شمال آفریقا به آنان می گویند الکراغلة و منسوب به آن می شود کرغلی که اولاد افسران و سربازان ترک از زنان محلی است. در لیبی اتحادیه ای از قبیله ها هست معروف به الکراغلة که دارای نسبت خالص عربی نیستند.»^۱

۱- تحقیق الزائر فی تاریخ الجزائر والامیر عبدالقادر، محمد بن عبدالقادر الجزائری، شرح و تعلیق

ممدوح حقی، بیروت ۱۹۶۴، ج ۱، ص ۲۸.

بعضی از آثار چاپ شده و ...

جهان بینی حماسه کوراوغلو، بهروز حتی، آلمان ۱۳۶۷، ۳۹۶ صفحه.

فهرست مطالب این کتاب که یک سال و اندی پس از کوراوغلو در افسانه و تاریخ منتشر شده و ... از این قرار است:

مقدمه / زمینه‌های تاریخی - اجتماعی پیدایش حماسه کوراوغلو / روایات کوراوغلو / هم‌زمان کوراوغلو / زمینه‌های عینی و ذهنی جنبش دهقانی دوران کوراوغلو / آب، سرچشمه حیات جاودان / اسب در اسطوره / درخت زندگی / کیش اعداد / میصری قیلینج / عاشق مظهر روشنگری / زنان چنلی بتل / کچل حمزه / کوراوغلو خدای میرنده و رستاخیزنده / فهرست منابع.

حماسه کوراوغلو، افسانه‌ای از ترکمن صحرا و قیراتم، اسب کوراوغلو، سیدحسین میرکاظمی، تهران، انتشارات روز بهان ۱۳۷۲، ۳۹ صفحه.

این کتاب با مقدمه کوتاهی در اشاره به همانندی‌های کوراوغلوی آذربایجانی و کوراوغلوی ترکمنی گشوده می‌شود. به اعتقاد نویسنده «اسکلت حماسه کوراوغلوی آذری آن چنان پهنه‌ای دارد که افسانه کوراوغلوی ترکمنی تنها بخشی از آن را، آن هم با شباهت‌هایی در خود دارد.» و ... سیمای مبارز و عصیانگر کوراوغلو را در چهره مردانه کوراوغلوی ترکمنی می‌یابیم.

راوی حماسه کوراوغلو یک پیرزن ترکمن ۶۰ ساله و راوی قیراتم یک پیرمرد ۷۰ ساله ترکمن است. ای کاش علاقه‌مندان فولکلور آذری نیز به ضبط و ارائه بقایای قل‌های پراکنده و دستخوش نابودی دستان کوراوغلو و دیگر آفریده‌های ادبیات شفاهی برخیزند که دارد خیلی دیر می‌شود. کتاب مورد بحث برای کودکان تنظیم شده و مصور است.

دمیرچی اوغلو، داستانی از داستان‌های کوراوغلو، اومیت [امید] کافنانجی اوغلو، ترجمه اسد بهرنگی، تبریز، انتشارات بهرنگ ۱۳۷۶ [؟]، ۵۹ صفحه.

امید کافنانجی اوغلو، که هشت داستان از داستان‌های کوراوغلو و از آن جمله «مجلس دمیرچی اوغلو» را گردآوری کرده، در سال ۱۹۷۹ انتشار داده بود، همین مجلس را برای کودکان و نوجوانان بازویسی کرده و اسد بهرنگی آن را جامعه فارسی پوشانده است.

حرف همان است که در آسیاب گفته شده ...، علی قربان، باکو ۱۹۹۶، ۱۲۵ صفحه.^۱

این کتاب مشتمل است بر یک مقدمه و دو بخش. بخش اول روایتی است از مجلس «بردن کچل حمزه قیرات راه» و بخش دوم روایتی است از «سفر قویای کوراوغلو».

علی قربان در مقدمه توضیح داده است که داستان کوراوغلو در دیرستان‌های آذربایجان تدریس می‌شده و می‌شود، کچل حمزه بنا به کتاب‌های نظریه، شخصیتی منفی ارزیابی می‌شده است. وی گویا یکی از هزاران تنگدست افتاده به تور طبقه حاکم بوده که اهمیت جنبش کوراوغلو را درک نکرده، با آن به دشمنی برخاسته و برای رسیدن به مراد خود به کوراوغلو خیانت ورزیده است. در حالی که به دریافت مؤلف «کچل حمزه عاقل‌ترین، زیرک‌ترین، مقاوم‌ترین و شکست‌ناپذیرترین فرمان داستان‌های آذربایجان است که هرگز

1- Söz Dəyirmanıkdı! , Əli Qurban, Bakı 1996.

از پیمودن راهی که در پیش گرفته خسته نمی‌شود و پی‌گیرانه به مبارزه خود ادامه می‌دهد. او امید و پشتیبان خلق، به ویژه تنگستان بوده، برجسته‌ترین نمایندهٔ کچل‌ها در جهان داستان‌هاست... او قهرمان عقل داستان‌های خاقمان است. بدیهی است که قهرمان عقل برتر از قهرمان شمشیر زن به شمار می‌رود؛ زیرا که عقل می‌تواند شمشیر پدید آورد، لیکن شمشیر از آفریدن عقل ناتوان است...»

بدر این اندیشه‌ها در زمان جنگ جهانی دوم، هنگامی که او دستیار چوپانی دلی حیدر (حیدر دیوانه) نام که حیدر بابا نیز هدایش می‌گرفته‌اند، بوده، در مغزش کاشته شده است. حیدر بابا شب‌ها به دستیاران خود داستان می‌گفته و داستان کوراوغلو را نیز بارها برایشان گفته بود. او چنان گرم‌دهان و شیرین‌گفتار بوده است که علی قربان هرگز از شنیدن داستان‌هایش سیر نمی‌شده است. علی قربان بعدها معلم می‌شود و «کوراوغلو» تدریس می‌کند و بارها برای رفع اتهام خیانت از حمزه و نشان دادن جنبه‌های مثبت شخصیت وی و تغییر دادن تلقی منمکس در برنامهٔ دبیرستان‌ها، اقدام می‌کند؛ اما همیشه سرش به سنگ می‌خورد و پاسخ‌هایی از این دست می‌شنود: «وقتی شخصی چون عزیز بیگ [حاجی بیگوف] کچل حمزه را چهره‌ای منفی نشان داده، کیست که گوشش بدهکار حرف تو بشود...»

و علی قربان بالاخره پس از از هم پاشیدن شوروی، داستان برده شدن قیرآت را همچنان که در کودکی از حیدر بابای هشتاد و چند ساله شنیده و مثل نقش کنده شده بر سنگ، بر لوح خاطر حفظ کرده بود، بر روی کاغذ آورده، به علاوهٔ مجلس دیگری از کوراوغلو به چاپ می‌سپارد. نام کتاب هم از حرفی که حمزه به هنگام پس دادن قیرآت به کوراوغلو گفته، گرفته شده است. می‌دانیم که حمزه وقتی در آسیاب سر راه، قیرآت را به نیرنگ از دست کوراوغلو در می‌آورد، به او قول می‌دهد که پس از رسیدن به مرادش، اسب را به کوراوغلو بازگرداند و خودش برای او رکاب بگیرد. و سرانجام به قولی که در آسیاب داده بود، عمل می‌کند و در همان حال حرف خودش را به یاد او می‌آورد: «حرف همان است که در آسیاب گفته شده...»

«کوراوغلو کیمدیر» (کوراوغلو کیست)، حبیب ادریسی، مجلهٔ وارلیق، تابستان ۱۳۷۲، صص ۲۹-۴۱.
حبیب ادریسی، اسنادیاری دانشکدهٔ علوم انسانی و ادبیات دانشگاه آتاتورک ارzurum، در این مقاله تحقیقی به مطالب اساسی زیر پرداخته است:

منشاء داستان حماسی کوراوغلو. وی پس از نقل قول‌هایی از دانشمندانی چون زکی ولیدی طوغان، قواد کزپرولو و... به این نتیجه رسیده است که اصل این داستان از جنگ‌های ساسانیان و ترک‌ها نشأت گرفته و در بین ترکان اوغوز و ترکمن‌های حوالی خوارزم - استراباد پدید آمده و در حدود سده‌های ۱۷-۱۶ م در آذربایجان و آناتولی شرقی در زبان عاشیق‌ها که به تدریج جانشین اوزان‌ها شده‌اند، بازگویی و بازسازی شده و از قیام‌های جلالی بر ضد عثمانی‌ها و قیام‌های قزلباشان بر ضد دولت صفوی و سرکوبی آنان به دست شاه عباس و... اثر گرفته است.

مطالب مورد بحث دیگر عبارتند از تاریخچهٔ گرد آوی و انتشار داستان، محل چملی بتل و روایات مختلف داستان. در قسمت اخیر از ۱۷ روایت نام رفته و در پایان به ثبت دو مجلس جدید آورده شدن زرنشان خانم به چملی بتل از زبان عاشیق حسین ساراجلی و مجلس آغجاقوزوه از زبان عاشیق اصلان ساکن محال بورجالو، اشارت رفته است.

«کور اوغلو شعریتی» (شعریت کوراغلو)، نظامی جعفروف، مجله وارلیق، زمستان ۱۳۷۵، صص ۷۱-۸۰. در این مقاله تحقیقی، نظامی جعفروف داستان کوراوغلورا - که به درجات مختلف بین خلق‌های ترک و نیز بعضی از خلق‌های غیرترک منتشر گردیده - به مثابه یک سند آفرینندگی حماسی از نظر تاریخی به خلق آذربایجان متعلق دانسته، آن را محصول دوره تجدید حیات ادبیات و به طور کلی تمدن خلق آذربایجان و انرژی بزرگ ملی - اجتماعی آن به شمار آورده است. این خلق علاقه تاریخی و جهان‌بینی معنوی، اجتماعی - سیاسی و آرمانی خود در طی چند قرن را در این داستان منعکس کرده است. وی معتقد به وجود پیوند تنگاتنگ معنایی و شاعرانه در بین کتاب دده فورقود و «کوراوغلو» بوده، اظهار می‌دارد که هنر خلق و فولکلور از دده قوقور تا «کوراوغلو» دستخوش دگرگونی تاریخی شده، در همین دوره اوزان ترک - اوغوز به عاشیق آذربایجانی تبدیل می‌شود.

مؤلف سپس به مسائل همانندی‌ها و تفاوت‌های روایات غربی و شرقی و انتقال سوز و حوادث «کوراوغلو» از غرب به شرق به واسطه اوغوز - ترکن‌ها از سده ۱۷ به بعد و نیز ترجمه شدن «کوراوغلو» از زبان ترکی آذربایجانی به زبان‌های ارمنی، گرجی و لزگی در قفقاز و ... می‌پردازد.

وی ضمن انتقاد از نظر م.ح. طهماسب که الحاق آذربایجان [شمالی] به روسیه را به جهت از میان برخاستن استیلای عثمانی و ایران - که عامل اصلی مبارزه بوده‌اند - باعث توقف رشد داستان دانسته، اظهار نظر می‌کند که «کوراوغلو» در قرن نوزدهم و حتی اوایل قرن بیستم نیز به سان قرن‌های هفدهم و هجدهم در جهت نمو و رشد به زندگی خود ادامه داده، چنان که مجلس‌هایی در همین دوره پدید آمده و شکل گرفته است. لیکن تردیدی نیست که پیدایش حماسه کوراوغلو، به مثابه یک سند آفرینندگی در سده ۱۷ میلادی اتفاق افتاده و اساس حماسه به سان آتشفشان در همین قرن از دل خلق فوران زده، در سده‌های بعدی روند شکل‌گیری - رشد و توسعه، زایش و غنی شدن را از سرگذرانده و سهم این روند در تیپولوژی حماسی داستان کم‌تر از سهم دوره فوران نبوده است... وی دوران پیدایش و شکل‌گیری «کوراوغلو» را از اوایل سده ۱۶ م تا دهه سی سده بیستم به پنج دوره تقسیم کرده است (صص ۶-۷۵). ن. جعفروف آن‌گاه موضوع در آمیختگی عناصر اساطیری با حوادث تاریخی را در روایت‌های غربی مورد بحث قرار داده، در این مورد چنین نوشته است:

«کوراوغلو» آذربایجان و نیز روایت‌های دیگر غربی، که همه تحت تأثیر آن شکل گرفته‌اند، اساساً انعکاس حوادث تاریخی واقعی است و به نام‌های قهرمانان «کوراوغلو»، به مثابه شخصیت‌های تاریخی واقعی در آثار تاریخی برخوردار می‌شود. با این همه، مشاهده وجود توانش (پوتانسیای) اسطوره‌ای غنی در لایه فرودین (ساخت درونی) حماسه چندان کار دشواری نیست و در کوراوغلو می‌توان گفت که همین لایه اساطیری، به طور کلی در اختیار لایه فرازین (ساخت بیرونی) و در مفهوم وسیع‌تر در اختیار واقع‌گرایی بوده، به آن تابع شده و حتی بر اثر فشار آن (لایه فرازین) گاهی تن به تغییر نیز داده است.»

و بعد از اشاره به ماجرای دستیابی کوراوغلو به حباب‌های سه‌گانه به راهنمایی علی کیشی خاطر نشان می‌سازد که «به میدان آمدن سیماهای اسطوره‌ای بدین صورت فعال در داستان، خصوصاً پیوستگی فعالیت قهرمان اصلی با اسطوره، غنای مفهوم اساطیری این حماسه، حاکی از این واقعیت است که داستان بر اساس یک خاطره معنوی - استتیک باستانی پدید آمده، دارای ریشه‌های ژرف تاریخی است.» به نظر مؤلف، علی کیشی بیش‌تر یک نیمه خدا است که تبدیل به حامی اسطوره‌ای چنلی بثل می‌شود و حافظ

کوراوغلو می‌باشد و می‌توان گفت که تمام نیروهای فیزیکی و روحی را اوست که به کوراوغلو می‌دهد.^۱ به نوشته او خواه کوراوغلو و خواه قهرمانان دیگر هر کدام کم و بیش دارای نیروی الاهی هستند، لیکن همین نیرو حتی الامکان در داستان مهار می‌گردد و نور اساطیری آن به قدر ممکن فرو پوشانده می‌شود؛ اما حرارت آن در هر حال باقی می‌ماند و هر آن حس می‌گردد...

مؤلف داستان کوراوغلو را محصول دوره ترقی ادبیات عاشیقی دانسته است. این ادبیات خود نتیجه تلاش فولکلور برای رسیدن به مرحله ادبیات کلاسیک (ضابطه‌مند) بوده، دارای خصوصیات خود ویژه فلسفی - زیبایی‌شناسی و شاعرانه است. عاشیق در تلاش پیوند دادن اساطیر قدیمی ترکان با تصوف، و تصوف با رئالیسم است و کوراوغلو نخستین اثر از آثاری است که در چهارچوب هنر عاشیقی پدید آمده و رشد و تکامل یافته است. وی به این سؤال که مؤلف کوراوغلو کیست؟ پاسخ می‌دهد که، عاشیق بدون وجود مکتب عاشیقی بی‌گمان داستان - حماسه کامل کوراوغلو نیز پدید نمی‌آید. جالب توجه آن که کوراوغلو و نیز قهرمانان دیگر کم و بیش خود عاشیق هستند و معمولاً سخنان دل خود را به همراهی سازی بیان می‌دارند. ن. جعفروف در پایان باز به مسئله ارتباط کتاب دده‌قورقود و کوراوغلو برگشته، اظهار می‌دارد که «سبب نزدیکی اندیشه - مضمون و ساخت - شکل بین آنها نیز این است که هر دو داستان - حماسه محصول یک نظام فومی - مدنی می‌باشد. فرقی بین آنها هم ناشی از ادوار تکامل همین نظام است...» و بالاخره ترکیب فکری - مضمونی داستان را دارای عناصر زیر می‌داند:

۱- بستگی حماسه با اساطیر باستان ترک و سنن حماسی ترک - اوغوز قدیمی.

۲- انعکاس حوادث یک دوره تاریخی در اشکال مختلف.

۳- محصول اندیشه تجدید حیات ملی و به عبارت دیگر هنر عاشیقی برآمده از آن بودن.

ناگفته نماند که حماسه کوراوغلو دارای عناصری از اساطیر ایرانی و حوادث مربوط به تاریخ ایران نیز هست که در جای جای کتاب حاضر به آن اشاره شده است.

«کوراوغلی، پهلوانی از آذربایجان و چابک‌سواری از چتلی‌بشل، (کوراوغلی خوانی، شیوه‌ای از

سخنوری آوایی و موسیقایی)، جابر عناصری، مجله آوا، ۱۳۷۳، صص ۷-۴.

مقاله‌ای است که با شور و احساس شیرازه‌بندی شده است. کوراوغلو در ذهن و نگاه دکتر عناصری و در دانه‌ای از سرزمین فوت و رنج کشیده‌ای از دیار مقاومت، یعنی آذربایجان، قهرمانی با نازشست و پهلوانی با گذشت و برخاسته از رنج خانه‌ای پر محنت و ... [بود] که دمار از روزگار نابخران خیره‌سریاوه‌گو در آورده و ... خیل نامردان از هیبت نامش چون بید می‌لرزیدند و فوج مغلوبان مظلوم از شوکت نام همایونش نیروی ماندن، جنگیدن و برجای بودن را توشه می‌گرفتند... فرهاد کوراوغلی خشماواز مظلومان و مادران گیسو بریده و مردان داغ شده از ستم ستمگران ستم ورز بود [و ... چنین بود که] نام او امیدبخش جان‌های خسته و رفتار او الگوی پهلوانان دل‌شکسته شد و ...»

۱- از این نظر بین علی کیشی - کوراوغلو و زال - رستم شباهت‌هایی به نظر می‌رسد. می‌دانیم که

حماسه رستم، یک حماسه سکایی - ایرانی است و تأثیرپذیری حماسه کوراوغلو از آن و به احتمالی این از آن و یا تأثیر متقابل آنها بر یکدیگر قابل پژوهش است.

چنلی بتل، فرارگاه کوراوغلو هم «دیوان‌خانه امن و دادگاهی برای حق‌طلبی و مامن جان خستگان صاحب درد، آشیانه پر مهر و عدالت خانه‌ای عدالت گستر و ... است».

و داستان زندگی و پیکار و دلآوری و مردانگی این قهرمان مردمی «در ساز عاشقان شیدا، این نوازندگان شیوا سخن زرین پنجه جان گرفته است» او «برکت دهنده ادبیات عاشیقی و گرمابخش محفل عاشیق‌ها و به صدا در آورنده ساز این شیدایان همیشه عاشق است».

هر کس با «کوراوغلو» در جایی آشنا شده و جابر عناصری فلکلورشناس نام و داستان‌های کوراوغلو را نخستین بار از زبان یک هم‌کلاسی در دبستان شاه‌اسماعیل اردبیل شنیده و بعدها، هنگامی که برای پژوهش در قلمرو کوچ‌نشینان ایل سئون در مشکین‌شهر به سر می‌برده، عاشیق چورچوب، «آن زنده‌پوش زنده‌دل، همچون عاشیق جنون از دیار افسانه‌های کوراوغلی پا به درگاه قهوه‌خانه‌ای که او در آن اتراق کرده بوده، می‌گذارد و با کوراوغلی خوانی خود، شور و شوق در وجود خسته‌جانان و دل‌افسردگان می‌دمد و خاطره‌ای نازدودنی در ذهن پژوهشگر برجا می‌گذارد».

نویسنده مقاله پس از مقدمه‌ای که چکیده‌ای از آن عرضه گردید، به موضوع کوراوغلوخوانی می‌پردازد. کوراوغلوخوانی به نظر ایشان عبارت است از «شرح رشادت و شجاعت کوراوغلی و ... شیوه‌ای از نقالی و نطالی و سخنوری است که از آذربایجان عزیز تا الصی نقاط شرق ... مستمعان شیفته‌جان را به وجد و شور و حال می‌کشاند» و «کوراوغلی خوانان از دیدگاه اتنوموزیکولوژی^۱ با موسیقی‌شناسی قوم، هنرمندانی پراحساس و آهنگسازانی ماهر و آوازخوانانی خوش‌خنجره محسوب می‌گردند ...».

«کوراوغلو، حماسه قهرمانی اقوام ترک زبان»، ساموئل رامازیان، ایران نامه، ش ۲۳-۲۲ (ش ۶ سال ۱۹۶۶ و ش ۱، سال ۱۹۹۷). بخش اول مقاله مذکور در شماره قبلی مجله ایران نامه، که به زبان ارمنی در جمهوری ارمنستان انتشار می‌یابد، چاپ شده است.

شعر عاشوقی در ادبیات ارمنی: در مورد شعر عاشیقی در ادبیات ارمنی و علایق عاشوق‌های ارمنی، این خنیاگران مردمی با ادبیات شفاهی مردم آذربایجان و خلق‌های دیگر و خاستگاه و آثار آن‌ها و نیز شرح حال عاشوق‌های نام‌آوری چون صایاد نوا، عاشوق جیوانی و عاشوق شیرین رجوع شود به تاریخ و فرهنگ ارمنستان.^۲

«گوسان پارتی و سنت خنیاگری ایران»، این مقاله ارزنده مری بویس را - که در صفحه ۸۲ کتاب از آن نام رفته - زنده یاد بهزادباشی به زبان فارسی ترجمه کرده است.^۳

1- Ethno-Musicology

۲- تاریخ و فرهنگ ارمنستان، احمد نوری‌زاده، تهران، نشر چشمه ۱۳۷۶، صص ۶۰۷-۵۹۷.

۳- دو گفتار در باره خنیاگری و موسیقی ایران، مری بویس، فارمر، ترجمه بهزادباشی، انتشارات آگاس، ۱۳۶۸. «گوسان پارتی و ...»، صص ۱۰۰-۲۹.

سمپوزیوم کوراوغلو و دنیای ترک

سال‌هاست که هر از گاهی در شهر بولوی ترکیه سمپوزیوم‌هایی در رابطه با «کوراوغلو» ترتیب داده می‌شود. آخرین آن‌ها در ۲-۱۱ اکتبر ۱۹۹۷ در دانشگاه آبات عزت بایسال آن شهر با شرکت بیش از ۶۰ پژوهشگر از ترکیه و کشورهای چون چین، آذربایجان، یوگسلاوی، مجارستان، مقدونیه، ایران و ... تشکیل یافت. عناوین بعضی از مقالات عرضه شده در سمپوزیوم به قرار زیر است:

- نظریه‌های کوراوغلو در بین ترکان قبرس.
 - نام‌های محل‌ها و اشخاص در کوراوغلوی گردآوری شده در مقدونیه.
 - کوراوغلو در شعر خلقی ترک در یوگسلاوی و مقدونیه.
 - منابع چینی و کوراوغلو.
 - کوراوغلوی موجود در مجارستان.
 - ترکان یوگسلاوی و کوراوغلو.
 - داستان‌های اویغور و کوراوغلو.
 - بخش‌های خلیج و قشقای کوراوغلو.
 - ... کوراوغلو در بین ترکمن‌های عراق.
 - روایت قزاقی کوراوغلو.
 - رد پاهای کوراوغلو و موتیف‌های ترک در شاهنامه.
 - تلاش‌ها برای تثبیت روایت ترکمنی داستان کوراوغلو و بعضی مسائل مربوط به آن.
 - مقایسهٔ قمبرباتیر داستان خلق قزاق و کوراوغلو.
- از قرار معلوم در سال جاری نیز سمپوزیومی در بارهٔ موضوع مذکور در بولو تشکیل خواهد گردید.

در عرصهٔ هنر

... دیگر این که نقاشان زیادی با الهام از «کوراوغلو» آثاری پدید آورده‌اند که از آن میان تابلوی «کوراوغلو در آستانهٔ جنگ»، پدید آوردهٔ طاهر صلاحوف در سال ۱۹۶۲ از جایگاه خاصی برخوردار است. این تابلو در موزهٔ ادبیات آذربایجان به نام نظامی نگهداری می‌شود. مجسمهٔ کوراوغلو را چند سال پیش در یکی از میدانهای شهر نخجوان برپا داشته‌اند و فیلم کوراوغلو در شب ۲۶ اوت ۱۹۸۵ در تلویزیون دولتی ترکیه نمایش داده شده است و ...

فهرست اعلام

T

- آبنازها ۲۹، ۲۲۹، ۲۴۶
 آبولی ۴۴۳
 آناوغلی بهلوان، باغشی ۳۱۳، ۳۱۴
 آنا قوشوت ۲۸۹، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۳۹
 آتالای، بسیم ۴۶۸-۴۷۱
 آتن، ۴۴۳، ۴۷۶
 آجارها ۲۲۹، ۲۴۶
 آجاریان ۸۱
 آجیسکا ۱۸۶
 آحیل کلک ۱۸۶
 آخوندوف، اهلیمان ۱۷۹
 آخه‌ای‌ها ۲۹
 آدانا، ادنه، اطنه ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۷۹
 آدی بیک ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۹۸
 آذر بوغلو، بالاش ۶
 آرارات ۱۶۲
 آراسلی، حمید ۶۴، ۱۷۵، ۳۱۴-۳۱۵
 آراکل داور ثراتس (تبریزی) ۱۳۰-۱۳۷، ۱۴۰، ۱۷۷، ۲۶۴، ۴۶۵
 آربادرسسی ۱۱۲
 آرتوین ۱۸۶
 آرسوناره فرخ ۳۱۱
 آرش ۴۶۸
 آرشاک دوم ۱۰۲-۱۰۶
 آریاتی ۲۸، ۴۵، ۵۳
 آزاد سرو ۶۱
 آزدهای ۴۸۹، ۴۹۹
 آستارا ۱۱۲
 آستاکوف ۳۱۴
 آسیای میانه ۱۳، ۲۹، ۳۲، ۴۳، ۵۳، ۵۸، ۶۷، ۷۲-۷۶، ۸۸، ۹۰، ۹۶، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۸۷، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۲۹، ۲۹۱-۲۹۶، ۳۱۵، ۳۲۸، ۴۲۸-۴۴۸، ۴۶۰-۴۶۲، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۸۵
 آشیل، آخیلوس ۱۴، ۳۳
 آغاجدان پیری توفانی ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۸
 آغاجاتوس ۲۳۴
 آغالیق خان ۲۳۵
 آغه یونس پری ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۳۵، ۲۳۹-۲۴۳، ۲۸۹-۲۹۱، ۲۹۷
 آفاسی، مهدی ۱۱۵
 آقایان، قازاروس ۲۵۵، ۲۵۷
 آقایان، م. ۸۱، ۱۰۴
 آقچاکوی ۱۰۹
 آق‌داغ، مصطفی ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۳۵-۱۳۶
 آق قایا ۲۶۴، ۲۷۳، ۲۸۰
 آق قویونلوها ۲۹، ۶۴، ۱۱۷
 آلاجالار، کوه ۱۷۵، ۱۸۴، ۳۱۰
 آلاداغ ۳۰۱
 آلب ارتونقا، تونقا آلب ار، افراسیاب ۴۳، ۴۷۲، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۸، ۴۹۹
 آلیامیش ۸، ۶۷، ۷۲، ۷۵-۷۷
 آلتسانی ۴۳، ۷۵، ۷۷، ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۹۴، ۴۴۶، ۴۵۰
 آلتین اردو ۴۹۴

اجمیادزین، اوچ کلیسا ۱۳۹، ۴۶۴، ۴۶۵
 احسان پاشا ۳۲۱، ۳۲۲
 احمد و یوسف، داستان ۴۹۴
 ادریسی، حبیب ۵۱۸
 ادیسه ۱۲، ۱۹، ۳۶، ۳۷، ۴۵، ۵۸، ۶۲، ۶۳، ۷۰، ۷۲، ۷۹
 اردبیل ۱۱۲، ۱۱۷، ۲۱۵، ۲۱۶، ۴۵۵، ۴۵۷
 اردوباد ۱۳۸
 ارزروم ۱۰۶، ۱۲۵، ۱۳۷، ۱۴۵، ۱۵۲، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۴۴، ۲۵۳، ۲۶۱، ۲۶۲، ۳۰۳، ۳۱۶، ۳۱۱
 ارزنجان ۱۰۹، ۱۳۷، ۴۶۳
 ارس، آراز، عراز، رود ۹۱، ۱۰۹، ۱۱۲، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۱، ۳۰۱، ۴۶۴
 ارسطو ۱۹
 ارغون ۴۹۰، ۴۹۱
 ارکنه قون ۲۳، ۴۴، ۳۱۱
 ارگین، محرم ۶۴
 ارمنستان، ارمنی ۸۱، ۸۳، ۸۷، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۱۸، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۷، ۱۹۳، ۲۲۹، ۲۳۵، ۲۵۹، ۳۰۳، ۳۲۳، ۴۶۳، ۴۶۵، ۵۰۳، ۵۲۱
 ارومیه ۱۷۸، ۲۵۰
 ارهات، عذرا ۴۸۱
 ازبک‌ها، ازبکستان، ازبکی ۷۴-۷۷، ۸۷، ۸۸، ۱۱۳، ۱۶۱، ۱۶۳، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۵، ۲۴۵، ۲۴۹، ۲۹۲-۲۹۵، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۱۲، ۴۹۴
 ازمیر ۳۱۱، ۴۸۱
 استاجلو، قبیله ۱۰۷، ۱۵۲، ۱۵۴، ۳۰۳، ۴۶۷
 استانبول، در بسیاری از صفحات
 استرآباد ۱۰۳
 استرآبادی، میرزامهدی ۴۹۴
 استراخان ۳۰۶
 اسفندیار ۳۲، ۳۳، ۴۸، ۵۹، ۳۰۲

آلفیری ۱۹
 آلماش، گ. ۷۳
 آلمابت ۷۶
 آلمان، آلمانی ۱۹-۲۲، ۶۲، ۲۴۶، ۲۴۷
 آلتیق، قلعه ۶۴
 آلی کیشی - علی کیشی
 آماسیه ۱۲۱
 آمدی، زوبر ۴۲۹
 آمودریا ۲۵۰
 امیران ۱۰۵
 امیرووین ۳۱۲
 آمیه، پی بر ۴۹۶
 آنتپ، عینتاب، فاضی آنتپ ۱۲۲، ۲۰۱، ۲۴۴، ۳۱۱، ۳۶۰
 آنتوکولسکی ۱۷
 آنتیگون ۱۹
 آنکارا ۱۱۰، ۳۱۱، ۴۵۸، ۴۷۹
 آنوی، ژان ۱۹
 آوجی اوغلو، دوغان ۲۰۸
 آبمانوف، چنگیز ۱۳
 آی چورک ۷۶
 آی دوغدو ۴۵۰
 آیدین ۴۸۱
 آی سلطان ۲۴۴
 آیسورها ۲۲۹، ۲۴۶
 آیفیر آت ۶۶

الف

ائلچین، شکری ۲۷
 ائلچین، مراد ۳۱۴
 اباقاخان ۴۹۱
 اب، رود ۲۲۳، ۴۴۶
 ابن سینا ۴۴۹
 ابوالغازی، بهادر ۴۴

- اسکاپها ۷۸، ۷۹
 اسکالدها ۷۸، ۷۹
 اسکاندیناوی ۷۹، ۴۷۶
 اسکندر ۵۲
 اسکندریک منشی ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۳
 ۱۲۵-۱۲۹، ۱۳۸، ۱۴۵، ۱۴۷، ۴۶۴
 اسکیتها ۱۰۲، ۴۳
 اسلامی ندوشن، محمدعلی ۶۲، ۱۵۸، ۱۶۰
 اسلاوها ۷۹، ۱۷۶
 اسماعیلوف، حیدر ۳۱۸
 اسمهان ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۴۱، ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۳۸
 ۴۶۵، ۵۰۹-۵۰۷
 اصلان پاشا ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۹۰، ۱۹۲، ۲۰۴، ۲۵۰
 اصلانوف، میرعباس ۲۱
 اصلی و کرم ۹۴-۹۷، ۲۹۲، ۳۱۷
 اغوزکاغان ۳۱۱
 اغوزها، ۲۹، ۵۳، ۶۳، ۶۵، ۸۶، ۱۰۳، ۱۷۳
 ۲۰۹، ۳۲۸، ۳۳۳ - ۳۳۶، ۴۵۰، ۴۷۰، ۴۷۱
 ۴۷۶، ۵۱۸، ۵۱۹
 افراسیاب، آلپ ارتونقا ۳۵، ۴۳، ۱۷۶، ۱۷۷
 ۳۱۸، ۴۷۲، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۸، ۴۹۹
 افشاره قبیله ۱۰۷
 افغانستان ۲۲۹، ۴۶۱، ۴۸۵
 افندیف، پاشا ۱۴۱، ۱۶۷، ۱۸۸، ۳۱۴، ۳۱۵
 ۴۹۰
 افه، چاقرجایی، ۴۷۸، ۴۸۱
 اقلیدی، محمدابراهیم ۴۸۴
 اکبرشاه، جلالالدین ۴۵
 اکمکچی اوغلو ۱۲۶
 المیز، الازیق ۲۲۴
 المناس حار ۵۰۱-۵۰۹
 الباده، میرچا ۳۰-۳۳، ۱۶۱
 الباس ۵۲
 امامی، محمدتقی ۸
 امیروف، فکرت ۳۱۸
 امیری افندی، علی ۴۶۹
 انجوی شیرازی ۳۹، ۴۹
 انزابی نژاد، سیدرضا ۸
 انقره، آنکارا ۱۱۱، ۱۲۵
 انه نید ۳۶، ۷۲
 اوجاقوف، راسم ۲۸۲
 اودیپ ۱۹، ۱۷۲
 اوراز، مراد ۴۶۲
 اورال، اورخان ۳۱۱
 اورانسکی ۶۱
 اورخون ۴۲۷، ۴۹۷
 اورفه نوس ۷۹
 اورفه، اورفا ۱۲۲، ۱۳۵، ۲۰۰، ۲۳۱
 اوروزیکوف، ساغیم بای ۷۲
 اوزان ۶۶، ۷۷، ۸۱، ۸۵-۸۹، ۴۵۵
 اوزون حسن ۶۲، ۱۱۷
 اولجایتو ۴۹۲
 اولیاچلبی ۱۴۴
 اولیاقلی، باغشی ۳۱۴
 اویس جلایر ۴۹۳
 اویغوری، اویغورها ۱۶۳، ۳۲۷، ۳۴۹، ۴۷۰
 ۴۹۱-۴۹۴، ۵۱۱
 اهر ۴۷۶
 ایاز ۱۰۴
 ایرتیش، رود ۲۳۳
 ایروان ۸۱، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۴۰
 ۱۵۴، ۲۵۷، ۳۱۲، ۴۶۴، ۴۷۶
 ایستمی خان ۴۵۰، ۴۵۱
 ایلام ۴۹۶
 ایلیخانان، ایلیخانان ۴۹۰-۴۹۳
 ایلیاد ۱۲-۱۹، ۳۳، ۳۶، ۳۷، ۴۴، ۴۵، ۵۸
 ۶۲، ۶۳، ۷۰، ۷۲، ۷۹
 ایمانوف، لطفیار ۳۲۷

بایزید، ییلدیریم ۱۱۴، ۱۳۷، ۴۶۴	اینان، عبدالقادر ۴۹۹
بایندرخان ۶۴، ۱۷۴	اینجه ممد ۴۷۸، ۴۸۰
بتھوون ۲۰، ۲۱، ۴۶	
بچکا، بیرى ۲۴۴	ب
بخت‌النصر ۵۶	باباطاهر ۹۰، ۴۹۶
بدخشان ۱۱۲، ۳۰۱، ۳۱۳	باباکنعان ۲۵۸
بدرالدین محمود بن احمد عینی ۴۶۹	باباکوهی ۹۰
بدل بیگلی، افراسیاب ۳۱۸	بابایف، عمران ۳۱۴، ۳۱۵
بذ، دژ ۱۶۱	بابک ۱۶۱، ۳۱۷
براگینسکی ۱۱۷، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۱۴	بانو، صلاح‌الدین ۳۱۶
بربریان ۱۰۴	باغ ۲۱
برتلس، یوگنی ۶۲، ۴۶۱	بارتوک، بلا ۲۳، ۴۴۵
بردعه ۶۴	بارتولد ۶۴، ۷۵، ۴۴۸، ۴۹۳، ۴۹۴، ۵۰۰
برزو ۳۲، ۳۵، ۱۷۶	بارنج ۱۱۲
برگشاد، جلال ۱۸۳	باسمنج ۲۴۸
برلیوز ۲۰	باش فاللا ۲۵۷
برودین ۲۱	باشقیرها، باشقیردها، باشقیردها و ... ۷۷
بروکلمان، کارل ۲۶۹	باش گوز، ایلحان ۸۷، ۱۲۹، ۲۵۰، ۲۵۴
بروکوف ۳۱۴	باشی، بهزاد ۴۸۴، ۵۲۱
بسارایی ۴۴۷	باقری، محمد ۴۸۴، ۵۰۱
بطل غازی ۲۰۲	باکو ۱۳۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۶، ۳۲۸، ۴۷۵
بکتاشی ۴۵۵، ۴۵۷	باکیخانوف، عباسقلی آقا ۱۱۳، ۱۱۶
بلاساغون ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۶۸، ۴۷۰، ۴۷۴	بام بورا ۲۰۰
بلغار، ۲۴۸-۲۵۰	بامسی بیرک ۶۵-۶۷، ۷۷، ۸۶، ۲۰۰، ۲۰۳
بلغار خاتم ۲۲۶، ۲۴۹، ۲۹۷	بانارلی، نهادسامی، ۱۲، ۱۳۶، ۱۳۹، ۱۸۵، ۱۸۶
بلغارستان ۲۵۴	۴۹۹
بللی احمد ۱۳۳، ۲۲۶، ۲۳۲، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۸۳	بانوچیچک ۶۶، ۸۶، ۲۲۸
بلوخ، مارک ۴۸۴	بایات، قبیله ۶۳، ۱۰۷
بلینسکی ۳۷، ۴۷۷	بایاز، حسین ۳۱۱
بنفشه خانم ۲۲۷، ۳۱۰	بای بورا ۶۶
بنیادوف، ضیاء ۴۷۵	بایبورت ۱۲۰، ۴۶۳
بودا، بودایی ۴۹۱-۴۹۵	بای بیجان ۶۶، ۸۶
بودا هست ۳۱۲	بایرون ۱۶
بوراناو، پرتونائلی ۲۹، ۵۹، ۶۴، ۱۰۴، ۱۱۱	بایزید ۲۵۰

پ

پالتا قاراوغلان، باغشی ۳۱۴
 پترسبورگ ۲۵۹، ۴۴۶، ۴۶۵، ۴۷۷
 پتروشفسکی ۱۰۷، ۱۲۸، ۴۶۴
 پتچنک، قوم ۲۹
 پجوی، ابراهیم ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۴۰، ۱۶۳
 پرومته ۴۴۵
 پری زاد خانم ۲۲۳، ۲۳۲
 پلووسکی، آ. ۴۸۴
 پلیو ۴۹۳
 پن، س.س. ۳۰۶
 پنین، آن. ۳۰۸
 پواسی‌ها ۷۸، ۷۹
 پوربهای جامی ۴۹۳
 پورتسلادزه ۱۸۳
 پوردادو، ابراهیم ۲۰۹
 پوشیکن ۵۰۱
 پولکان شاعر ۴۵۲
 پیرسلطان ابدال ۹۲، ۴۵۵ - ۴۵۷

ت

تثلی خانم ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۵۸، ۲۹۷
 تانوره، فیلیکس ۴۴۴
 تات ۴۷۱، ۴۹۷، ۴۹۸
 تاتارا، تاتارها ۷۷، ۲۲۹، ۲۳۳، ۲۵۵، ۲۹۲، ۳۰۸، ۵۰۲
 تاجیک، تاجیک‌ها، تاجیکستان ۷۷، ۸۷، ۲۲۹
 ۲۴۵، ۲۹۱، ۲۹۳، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۱۲، ۴۸۵
 ۴۸۶
 تاروئردیان، گ. ۲۵۷
 تارویان، گتورگ ۲۵۷، ۲۵۹، ۲۸۷
 تاشکنده ۷۷، ۴۶۱
 تاگور ۴۶
 تانری تانیماز ۱۳۶، ۲۲۳، ۴۷۶

۱۳۲، ۱۳۶، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۸۵، ۱۸۸، ۱۹۱،
 ۱۹۷، ۲۴۵، ۲۵۵، ۲۵۷، ۳۰۹، ۳۱۴، ۴۵۶،
 ۴۵۸، ۴۶۷، ۴۷۸، ۴۹۶
 بوراجالو، مسعود ۳۱۵
 بوراق ۲۰۳
 بوراو، سهیلا ۳۱۴
 بورجالو ۵۱۸
 بورجی سلطان ۲۳۲، ۳۰۷
 بوردورلو، ابراهیم ۳۱۱
 بورسه، بورسا ۱۲۵، ۴۶۵
 بورلاختون ۲۲۸
 بوزآت ۱۸۱
 بوز آی قیر ۲۰۳
 بوغاج ۱۷۳، ۱۷۴
 بوکاتچو ۴۴۴
 برگانیروف ۳۱۴
 بولدوروک، بولدور ۲۲۶-۲۴۰
 بولو، بولوییک، بالی بیک ۶۶، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۳۲،
 ۱۳۶، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۸۵، ۲۰۴-۲۰۷، ۲۳۴،
 ۲۵۴، ۲۵۸، ۲۶۱، ۳۲۹، ۳۳۵، ۴۸۲، ۴۴۴

۵۲۲

بومین خان ۴۵۰، ۴۵۱
 بويس، ماری ۸۲، ۵۲۱
 بهارا تا ۲۸
 بهار، ملک‌الشعرا ۵۳، ۳۲۰
 بهرام خان ۵۰۷-۵۰۹
 بهرام گور ۸۲، ۸۳
 بهرنگی، اسد ۵۱۷
 بهرنگی، صمد ۳۱۵، ۳۳۷، ۴۵۲، ۲۵۳
 بهگود گیتا ۴۵، ۴۵۱
 بیانی، شیرینی ۴۹۶
 بیژن ۴۸، ۱۵۹

توکی په‌ها ۱۰۳
 تولبار ۲۳۵، ۲۳۳
 تولستوی، لتون ۴۴۵
 نومسن، ب. ۴۴۷
 نونجر، چنگیز ۴۸۳-۴۸۱
 نهران ۱۱۳، ۱۸۱، ۳۱۰، ۴۶۶
 تیمور، تیموری، تیموریان ۴۹۳، ۴۹۴

ج

جان پولاد، جان پولاد اوغلو ۱۲۴-۱۲۶، ۲۵۳، ۲۵۸
 جاویدان خرمی ۱۶۱
 جبارلی، جعفر ۸۸، ۵۱۴
 جعفر اوغلو، احمد ۴۷۱، ۴۹۳
 جعفر پاشا ۱۳۶، ۲۲۶، ۲۲۸
 جعفرقلی خان دنبلی ۱۱۳، ۱۱۴
 جعفروف، نظامی ۵۱۹، ۵۲۱
 جفال اوغلو ۱۲۵
 جفتایی ۴۹۵
 جلالوف، خریستوفر ۲۵۱، ۲۵۹
 جلالی، جلالی‌ها ۸، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۶-۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۷۰، ۱۸۶، ۴۶۷، ۴۸۱
 ۵۱۸
 جلفا ۱۴۱، ۴۶۵
 جوانشیر ۱۷۷
 جوان، عاشیق حسین ۲۷
 جیحون، رود ۵۵، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۳۱
 جیغلی بیک ۲۰۵، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۹۶

چ

چادویک ۳۷، ۵۸، ۷۶، ۲۹۲، ۳۰۵، ۳۰۶، ۴۴۶
 ۵۰۴، ۴۶۳
 چاسر ۴۴۴
 چاکال اوغلو ۱۲۳

تایمازیک ۲۴۴
 تبریز ۱۱۲، ۱۲۵-۱۲۸، ۱۳۸، ۱۴۲، ۱۴۵-۱۵۰، ۱۸۱، ۲۵۰، ۲۵۶، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۶
 ۴۶۶-۴۶۱، ۴۷۷-۴۷۵، ۵۰۲، ۵۰۱
 تخماتی ووران ۴۷۶
 ترابادورها ۷۸، ۸۰
 تراوررها ۷۸، ۸۰
 تربیت، محمدعلی ۴۶۶
 ترکستان ۲۳۱، ۳۱۰، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۶۸
 ترکمن، ترکمنستان، ترکمن‌ها، در بسیار از صفحات
 ترکمن، فکرت ۷۷
 ترکیه، در بسیاری از صفحات
 ترویا، ترویاتی‌ها ۲۸، ۲۹، ۳۶، ۲۷۸
 تری آلت ۱۱۲
 تزل، نقی ۲۶۲، ۳۰۹
 تسوف، ولادیمیر ۲۰۸
 تفلیس ۱۱۱، ۱۸۰، ۲۲۹، ۳۰۴، ۳۰۶، ۳۱۷
 نقی‌زاده، سیدحسن ۴۷۴
 تکه، تکلو، تکه ترکمن ۱۰۶-۱۰۸، ۲۳۱، ۲۳۹
 ۲۹۷، ۴۶۳، ۵۱۰
 تل، ویلیام ۴۷۶
 تمیر، احمد ۴۴۶
 توبول ۱۱۳، ۲۳۳
 توپچی باشوف، میرزا جعفر ۳۰۵، ۴۷۷، ۵۰۰
 توپ داغیدان ۲۲۶، ۲۸۰، ۴۷۶
 توران، تورانیان ۴۳، ۱۷۶، ۱۷۷، ۴۴۸، ۴۸۹
 ۴۹۹، ۴۹۸
 تورگنیف ۲۷۷
 توروس، کوه ۹۲، ۲۰۳، ۴۵۳، ۴۷۸، ۴۷۹
 توریتینووا ۱۱۸
 توقات ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۳۸
 ۲۳۲، ۲۵۱، ۲۵۳، ۲۶۱

۳۴۲، ۳۳۸

حورو اوشاخی ۹۲

حوروخانم ۲۲۶

حیدربابا، دلی حیدر ۵۱۸

خ

خاجاطوریان ۲۱

خاص حاجب، یوسف ۴۴۸، ۴۲۹، ۴۶۸

خاقانی ۴۶۱

خانلری، پرویز، ۴۷، ۵۲، ۶۸

ختایی، شاه اسماعیل ۳۰۳

خراسان ۴۴، ۱۰۳، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۵۲، ۱۵۵

۴۵۱، ۴۵۵، ۴۵۷

خرم دینان ۱۶۱

خرمن دالی ۲۳۶، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۶۷

خزرا، دریا ۲۹، ۴۴، ۷۴، ۱۰۳، ۱۰۸، ۱۴۵، ۱۴۸

۲۹۲، ۳۰۵، ۳۳۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۷۸

خسروسلطان کوراوغلی ۱۵۲، ۱۵۵

خضر ۵۲، ۱۹۷، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۳۵-۲۳۷، ۲۹۴

خضر پاشا ۴۵۵، ۴۵۶

خلیل خان افشار ۱۵۲

خلیلوف، رمضان ۳۱۷

خلیلوف، شاهین ۵۱۴، ۵۱۵

خوارزم ۱۰۳، ۱۰۸، ۲۴۰

خودزکو، الکساندر، خودزکو، خوچکو، شودزکو

۱۰۸، ۱۱۶، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۱۱، ۲۳۱

۲۵۲-۲۵۹، ۳۰۸، ۳۰۴، ۴۶۳، ۴۷۷، ۴۷۸

۴۸۲، ۴۸۴، ۵۰۰-۵۰۵، ۵۱۰

خورشید شاه ۶۸

خورنی، موسی ۸۱

خولوفلی، ولی ۹۷، ۳۰۹

خونکار شاه ۲۳۶

خوی ۱۰۶، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۴۲، ۲۵۰، ۲۶۰، ۴۹۱

خینیس ۲۳۲، ۲۵۲

چالدران ۴۵۵

چاملی بتل، چنلی بتل، چاندی بیل، شملی بتل

و ... در بسیاری از صفحات

چابکوفسکی ۲۱

چخور سعد ۱۱۴، ۱۵۳، ۱۵۴

چرنیشفسکی ۳۰۸

چلائیدزه، ن. ک. ۲۴۸، ۳۱۱

چمبول مستان، چامبول ۳۰۲، ۴۸۵

چنگیز خان ۲۰۰، ۲۰۹، ۴۹۱

چرال باغنی ۳۱۴

چوخا سلطان تکلر ۱۵۴

چوروم ۱۲۰

چوکور اووا ۴۸، ۴۹، ۹۲، ۹۳، ۴۵۳، ۴۵۸، ۴۷۸

۴۷۹

چیچکلی، علی ۴۶۹، ۴۷۱

چین، چینی، ۵۴، ۵۵، ۷۵، ۱۶۳، ۱۹۹

۲۴۷، ۴۶۸، ۴۷۶

ح

حاحی بگوف، عزیز ۲۱، ۲۲، ۸۷، ۱۹۲

۳۱۶-۳۲۰، ۳۲۵، ۳۲۷، ۴۹۷، ۵۱۸

حافظ ۳۲۵، ۹۰

حربری اکبری، محمد ۴۵۱

حسن بیک روملو ۱۵۲

حسن پاشا، حسن خان ۶۶، ۱۲۳، ۱۳۶

۱۶۶، ۱۶۸، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۱، ۲۲۶

۲۲۷، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۵۲-۲۵۴، ۳۲۱-۳۲۶

۳۳۹، ۳۴۰، ۵۱۰

حسن، کرداوغلو - کرداوغلو

حسین خان دنبلی ۱۱۳

حقی، بهروز ۵۱۷

حلب ۵۵، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۸۲، ۲۶۰، ۴۶۴

حمزه، کچل ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۵، ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۲۱

۲۲۶، ۲۳۲، ۲۵۲، ۲۵۳، ۳۲۳-۳۲۷، ۳۳۷

خیوه ۹۰، ۴۶۱

د

دادال اوغلو ۹۳، ۳۱۱، ۳۵۸، ۴۵۹

دارابی، ابراهیم ۴۵۲

داغستان ۸۷، ۲۶۰

دانت ۱۶، ۸۰

دانشورا، سیمین ۴۷۲، ۴۹۹

داوید ساسونی ۸۷

دده قورقود ۲۹، ۳۲، ۴۴، ۵۳، ۶۳، ۶۷، ۷۱، ۷۷

۸۵، ۸۷، ۹۲، ۹۹، ۱۷۳-۱۷۵، ۲۰۰، ۲۲۸

۳۱۷، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۷۶، ۵۱۹-۵۲۱

دربند، دمیرقای ۹۶، ۱۱۱، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۷۱

۲۵۰

درگاه قلی سلطان کوراوغلو ۱۵۵

درویش پاشا ۴۵۹

درویشیان، علی اشرف ۶

دلی باتمان ۲۵۸

دلی حسن بیک، جلالی ۱۲۱-۱۲۴، ۲۸۵

دلی مهتر ۳۲، ۲۵۲، ۲۸۳

دمیرچی اوغلو ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۴۴، ۱۶۹، ۱۹۵

۱۹۶، ۲۱۵، ۲۲۰، ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۳۲، ۲۵۰

۲۵۸، ۲۶۲، ۲۷۲-۲۸۱، ۲۸۵، ۳۲۹، ۵۱۷

دنلی، محمودخان ۳۰۶، ۵۰۴، ۵۰۵

دورآت ۶۶، ۲۱۱، ۲۵۲، ۲۸۰، ۳۳۷، ۳۳۹

دورانت، ویل ۴۴، ۵۷، ۷۹، ۴۴۴

دوگوزون، دیودونه ۳۳، ۳۴

دولت آبادی، عزیز ۴۶۵

دومریل، زورز ۱۰۴، ۴۹۶

دونا خاتون ۲۲۶، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۸، ۳۳۳

دون ژوان ایرانی، اروج بیک بیات ۱۶، ۱۰۷

۱۴۶، ۴۶۳

دهخدا، علی اکبر ۴۲۳

دیرسه خان ۱۷۳، ۱۷۴

دیل بیلمز ۲۷۲

دیلبین، دهری ۴۶۹

دؤنه پاشا ۵۰۳

دؤنه (همرعیوض) ۳۳۳

ذ

ذاکر، قاسم بیک ۲۵

ذوالقدر، طایفه ۱۵۴، ۲۶۷

ذوالنون، رهبر قیام دهقانی ۱۱۸

ر

رابین هود ۱۹۴

راپودیست‌ها ۷۸، ۸۹

رادلوف، ویلهم ۴۲، ۴۸، ۷۳، ۲۴۶-۴۴۹، ۲۵۳

۴۷۰

رامازیان، ساموئل ۵۲۱

رامایانا ۱۲، ۲۴، ۲۸، ۴۵، ۴۶، ۷۲

رحیملو، یوسف ۱۵۳، ۵۱۶

رحیموف، سلیمان ۸۳

رخش ۱۱۲، ۱۷۶، ۱۹۹-۲۰۸

رستم ۳۴، ۳۵، ۴۸، ۴۹، ۱۱۲، ۱۵۹، ۱۷۰، ۱۷۶

۱۷۷، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۹-۲۰۴، ۲۰۷، ۲۵۹

۲۸۲، ۲۹۴، ۳۰۲، ۳۱۳، ۳۱۷

رستم زاده، رستم ۱۸۰، ۲۲۲، ۲۴۷، ۳۰۵، ۳۰۷

۳۱۴، ۳۱۵

رستم، سلیمان ۱۸۳

رستموف، سعید ۳۱۸

رشت ۳۰۵، ۴۸۴

رشیدالدین فضل‌الله همدانی ۴۳، ۷۴، ۴۷۱

۴۹۱

رفیعلی، میکائیل ۳۱۴

رقیه خانم ۱۹۳، ۲۲۶

رلاند ۱۵۹، ۴۶۸

رمضانوف، یوسف ۸۳

س

سچمن، حسین ۱۵۰، ۲۰۰، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۴۳
 ساسانیان ۳۵، ۵۳، ۵۹، ۶۰، ۱۰۳-۱۰۶، ۲۱۳،
 ۴۵۰، ۴۵۱، ۵۱۸
 ساسونی، داویت ۴۵۲
 ساموئیلیان، خ. ۱-۹، ۱۹۳، ۲۴۷، ۲۵۶، ۲۹۱،
 ۲۹۲، ۳۱۲، ۳۱۴
 ساند، ژرژ ۳۰۸، ۴۷۷، ۵۰۲
 ساوالان، ۱۶۲
 سایگون، احمد عدنان ۳۱۶
 ستارخان ۲۷
 ستالسکی، سلیمان ۸۷، ۴۵۲
 سرکارانی، بهمن ۸
 سروانتس ۱۶
 سعدلو، طایفه ۱۵۳ - ۱۵۴
 سعید آباد ۱۱۲
 سکایی، سکاها ۴۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۴۹۹
 سگرک ۸۶
 سلجان خانون ۲۲۸
 سلطان احمدخان خواندگار ۱۲۵، ۱۳۱
 سلطان القرائی، جعفر ۴۹۰
 سلطان سلیم اول ۱۱۷، ۴۵۵
 سلطان محمود غزنوی ۱۰۴، ۱۷۰
 سلطان مراد عثمانی ۶۹، ۱۲۰، ۱۴۲، ۲۶۱،
 ۳۰۳، ۳۰۷، ۳۶۶، ۳۹۰
 سلماس ۱۰۶، ۱۱۴-۱۱۶
 سمرقند ۱۶۳، ۳۰۱
 سمک عیار ۴۷، ۵۲، ۶۷-۶۹
 سوفوکل ۱۷۲
 سوکل مخها ۴۹۶
 سومر، فاروق ۶۴، ۱۰۶، ۱۱۰-۱۱۳، ۱۵۲، ۱۵۳،
 ۴۶۶
 سومریان ۳۲
 سهراب ۳۴، ۴۸، ۴۹، ۱۷۱-۱۷۷، ۳۱۷، ۴۹۷

روحی سو ۱۳۵، ۴۷۵، ۴۷۸
 رودکی ۸۳، ۸۴
 رودین ۴۶
 روزی، اتور ۶۴

روشن ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۶۴-۱۶۶، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۶،
 ۲۳۱، ۲۳۷، ۲۵۸، ۲۹۴، ۲۹۶، ۳۲۱، ۳۳۷،
 ۳۳۹، ۴۸۲

رومولوس و رموس ۳۶، ۲۹۵
 ریپکا، بان ۵۷، ۶۱، ۴۴۴
 ریحان عرب ← عرب ریحان

ز

زنوس ۱۶، ۷۹، ۴۴۳، ۴۴۵
 زال ۲۰۱، ۵۲۰
 زرنشت، زرنشتی ۳۳، ۵۶
 زرنشان خانم ۵۱۸

زرین کوب، عبدالحسین ۱۲، ۱۳، ۴۰، ۵۵، ۵۶،
 ۸۴، ۸۹

زنجان ۱۲۷

زنگزور ۱۷۸، ۱۸۱

زهرة و طاهر ۲۹۲

زیاد خان اوغلو، داستان ۹۷

زیگفرید ۳۳

زیناللی، حسین ۵۰

زینالوف، فرهاد ۴۷۱

ژ

ژانگلورها ۷۸، ۸۰

ژرمنی ۳۳، ۲۲، ۱۷۰، ۱۷۲

ژیرومنسکی، ویکتور ۵۴، ۷۷، ۸۸، ۹۳، ۲۴۶،
 ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۰۱، ۳۱۲، ۳۱۴، ۴۴۳، ۴۴۷،
 ۴۴۶

سهند ۱۶۲

سهند، ب.ق، (قره چورلو) ۲۵۲

سیاوش ۲۰۳، ۲۰۴، ۳۰۲، ۴۷۲، ۴۹۹

سیبیری، سیبیری ۴۳، ۱۸۲، ۲۰۸، ۲۲۹، ۲۳۳،

۴۴۶، ۴۴۷، ۴۵۰

سیپک، بیری ۱۸، ۹۶، ۱۹۲، ۱۹۴، ۲۹۳، ۲۹۵،

۳۰۱، ۴۴۴

سیدزاد، میرمهدی ۳۳۹

سیدوف، میرعلی ۱۶۲، ۱۶۸، ۲۱۴، ۳۱۴

سیر دریا ۲۹

سیستان ۳۵، ۱۱۲، ۱۵۹

سیلیستر ۲۵۲

سیواس ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۳۵، ۴۵۵، ۴۵۶،

۴۵۹

ش

شادان برزین، ازراویان شاهنامه ۶۱

شارلمانی ۱۵۹، ۲۹۵، ۴۶۸

شامیرادوف ۳۱۲

شاه اسماعیل ۹۷، ۱۰۷، ۱۱۷، ۲۰۸، ۴۵۳، ۴۵۷

شاه صنم ۷۷، ۲۹۲

شاه عباس اول ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۲۸،

۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۸۶،

۱۹۹، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۵۴، ۳۰۳، ۴۶۳، ۴۶۶،

۵۱۰، ۵۱۸

شاه عباس دوم ۱۰۶، ۱۰۷، ۵۰۹، ۵۰۵

شاهقلی سلطان استاجلو ۱۵۲

شاهوی، ازراویان شاهنامه ۶۱

شبرنگ بهزاد ۲۰۳، ۲۰۴

شروان، شیروان ۱۲۱، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۵، ۲۳۹،

۳۱۰، ۴۶۱

شروانی، سید عظیم ۲۶

شکسپیر ۱۶، ۱۹

شنب غازان ۱۴۸، ۱۴۹

شوبرت ۲۰

شوپن، ای. ۳۰۴، ۳۰۷

شوپنهاور ۲۲

شولوخف ۴۸۰

شومان ۲۰

شهرزاد ۵۴

شهربارا، پسر برزو ۳۴، ۳۵

شیخ صنمان ۳۱۷

شیلر ۱۶، ۲۷

ص

صابر، علی اکبر ۱۷، ۲۶

صادق بیگ، عاشیق ۳۰۶، ۴۵۰، ۴۵۰، ۵۰۴

صال الدین، علی ۱۷، ۲۵

صایادنوا ۵۲۱

صدرالاشرفی، ضیاءالدین ۴۸۹

صدری افشار، غلامحسین ۳۱۵

صفا، ذبیح الله ۳۵، ۳۹، ۴۷، ۵۳، ۶۰، ۶۱، ۶۸،

۶۹، ۱۵۹

صفویه ۵۰۵، ۵۱۸

صفی الدین اردبیلی ۱۱۷، ۴۰۵

صلاحوف، ظاهر ۵۲۲

صفویه ۲۵۴، ۳۱۲

صیاد و حمرا، داستان ۴۹۴

ض

ضحاک ۴۸۹، ۴۹۹

ط

طالش ۱۳۹

طسوج ۱۲۵

طوغان، زکی ولیدی ۱۰۳، ۲۵۴، ۳۱۴، ۴۴۹،

۵۱۸، ۴۹۹

طهماسب، محمد حسین ۶۴، ۸۵، ۱۰۷، ۱۷۱،

عاشیق ویسل ۱۴۵، ۹۴
 عاشیق یوسف ۴۵۸
 عباسوف، اسرافیل ۵۰۳، ۸۷
 عباس و گولگز ۹۷
 عبدالرشید باکوبی ۴۷۵، ۴۰۹
 عبدالوہاب کاتب ۵۰۳، ۵۰۲، ۳۰۶
 عثمان پاشا، توزدمیر اوغلو ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶
 ۱۴۹-۱۵۱، ۱۸۵، ۴۶۶
 عرب آت ۲۸۳، ۲۷۸، ۲۷۷، ۲۱۵
 عرب ریحان، ریحان عرب ۱۹۰، ۲۰۵، ۲۱۴
 ۲۳۲-۲۴۱، ۲۵۱، ۳۰۲، ۲۹۷، ۳۴۴
 ۴۸۲-۴۸۵، ۵۱۱-۵۱۶
 عزیزفتری، قریبا ۴۵۲
 عشق آباد ۳۱۲، ۳۳۹، ۴۶۲
 علاءالدولہ سمنانی ۴۹۰
 علی زادہ، ہمت ۹۷، ۱۷۵، ۲۵۳، ۳۰۹، ۳۱۵
 علی (ع) ۲۰۵، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۹۴، ۵۱۲
 علی علمدار، کوہ ۱۶۲
 علی کیشی، آلی کیشی ۱۶۲-۱۶۹، ۲۱۰، ۲۱۱
 ۲۹۶، ۳۲۱، ۳۲۷-۳۴۰، ۵۱۹
 عناصری، جابر ع ۵۲۰، ۵۲۱
 عنترہ بن شداد ۲۱۱-۲۱۴
 عوضوف، مختار ۷۴
 عیسیٰ ہالی ۲۲۶، ۲۵۳، ۲۵۸، ۵۰۳-۵۰۵
 عینیان، احد ۱۱۵
 عیواض، عیوض، عاواض، عوض، در بسیاری از
 صفحات

غ

غازان خان ۴۹۱، ۴۹۲
 غریب پور، بہروز ۳۳۶

ف

فاوست ۱۹، ۲۰

۱۸۴، ۱۸۵، ۱۹۳، ۲۱۱، ۲۲۳، ۲۲۷، ۲۴۴
 ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۹۳، ۳۰۳، ۳۰۶-۳۱۱، ۳۱۴
 ۵۱۳، ۵۱۹

ع

عارف، محمد ۱۷۴، ۲۲۹، ۳۱۴
 عاشوق جیوانی ۵۲۱
 عاشوق شیرین ۵۲۱
 عاشیق اسد ۲۴۷
 عاشیق اصلان ۵۱۸
 عاشیق اصلان طالبی ۲۵۰، ۲۵۱
 عاشیق امراہ ۹۴، ۹۷
 عاشیق ایمان ۲۴۷
 عاشیق جنون ۶۶، ۹۷، ۹۹، ۱۳۳، ۱۹۶، ۲۱۶
 ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۵۰، ۲۷۳-۲۸۱، ۲۸۶
 ۲۸۷، ۳۴۱
 عاشیق چورچوپ ۵۲۱
 عاشیق حاجی ۹۳
 عاشیق حاجی علی ۲۵۰، ۲۵۱
 عاشیق حسین بوزالقانلی ۳۰۹
 عاشیق حسین ساراشلی، ساراجلی ۲۴۷، ۵۱۸
 عاشیق حقی ۴۵۸
 عاشیق عسگر گرموش کمر تبریزی ۲۴۸
 عاشیق علی چانوس مصر اوغلو (موسیدزہ)
 ۲۵۱-۲۵۴
 عاشیق علی عسگر ۲۴۷، ۸۸
 عاشیق علی فیض اللہی ۲۰۲، ۲۱۵، ۲۱۶
 ۲۴۸-۲۵۱
 عاشیق غریب ۷۷، ۹۴، ۹۷، ۲۰۲، ۲۹۲
 عاشیق قربانی ۹۱، ۹۷، ۴۵۳
 عاشیق کماندار ۲۴۷
 عاشیق گئورگ تارویان آباکیان ۲۵۷
 عاشیق گاوور داغی ۹۳
 عاشیق موسیٰ ۴۵۸

قازان ۳۴۷، ۳۴۶، ۳۰۹
 قاز، دختر افراسیاب ۴۷۲
 قازلی گؤل ۵۰۶، ۵۰۷
 قاسم زاده، ف. ۸۷
 قاسمعلی، محرم ۵۰۳
 قاطر محمد ۱۸۲-۱۸۴، ۲۸۲
 قاف، کوه ۲۳۵، ۲۰۳
 قاقائوزها ۲۴۶، ۲۲۹
 قبادلی ۱۷۸
 قبرس ۴۶۴، ۵۲۲
 قتلغ بوغایخشی ۲۹۴
 قدسی نجر، احمد ۳۲۸، ۱۴۵
 قراباغ ۱۱۲، ۱۳۹
 قراجه داغی، عندلیب ۳۰۳، ۳۰۴، ۴۷۶
 قراخانیان، قراخانی، آل افراسیاب ۴۴۸، ۴۵۱
 ۴۶۸، ۴۷۱، ۴۷۲
 قراقویونلوها ۱۰۹، ۱۱۷، ۱۵۳
 قرابازیچی ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۳۷
 قربانوف، علی ۳۰۹، ۵۱۷
 قربانی ← عاشیق قربانی
 قرقیز، قرقیزها، قرقیزی، قرقیزستان ۲۹، ۳۴،
 ۷۷، ۷۷، ۸۷، ۸۹، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۷۰، ۴۹۳
 ۴۹۵
 قزاقها، قزاقی، قزاقستان ۳۲، ۷۴، ۸۷، ۲۲۹،
 ۲۲۵، ۴۴۶، ۴۲۷، ۴۹۳، ۴۹۵، ۵۲۱
 قزلباش ۱۰۷، ۱۱۷، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۸،
 ۱۴۱، ۱۴۶، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۷، ۵۱۸
 قزوین ۱۵۲، ۴۷۲
 قشقایها ۲۵۰، ۵۲۲
 قطور ۱۱۲، ۱۱۵
 قسفقاز ۲۹، ۶۴، ۷۷، ۱۰۴، ۱۱۱، ۱۳۸، ۱۳۹،
 ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۴-۱۸۷،
 ۲۲۹، ۲۴۶، ۲۵۱-۲۵۶، ۲۹۲-۲۹۵، ۳۰۶
 ۳۱۵، ۴۵۲، ۴۸۵، ۵۱۹

فتح علی بیگی، داود ۳۳۶
 فرامرز ۲۰۷، ۳۵، ۳۴
 فرامرز بن خداداد ۶۷
 فردوسی ۱۶، ۳۵-۴۰، ۴۳، ۵۱، ۵۷، ۵۹-۶۲،
 ۱۱۳، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۷۷، ۲۰۷، ۴۴۸، ۴۸۹
 ۴۹۸، ۵۰۲
 فرزاد، مسعود ۱۷۳
 فرزانه، م.ع. ۶، ۴۸۹
 فرشیتم، فریبوز ۸
 فرغانه ۴۴۹
 فرنود، غلام حسین ۸
 فروغ، مهدی ۱۹
 فرهادوف، فرهاد ۱۱۲، ۲۴۴-۲۴۶، ۲۵۲، ۲۵۷،
 ۲۹۶، ۳۱۴
 فرهمند راد، شیوا ۳۱۵
 فصولی ۳۰۲، ۴۶۱
 فلسفی، نصرالله ۱۴۷، ۴۶۶
 فنلاند، فینی ۶۹، ۷۲، ۲۵۲
 فن همبولت، ویلیام ۴۵۱
 فیدیا س ۱۶، ۴۴۳
 فیروزه خانم ۲۵۲، ۲۵۳
 فیشر، ارنست ۲۳، ۳۸، ۲۹۶
 فیض الهی، حسین ۳۱۳

ق

قاچاقی کرم ← کرم
 قارآت ۲۳۵
 قاراجا اوغلان، کاراجا اوغلان ۹۲، ۹۳، ۳۱۱،
 ۴۵۵، ۴۵۳
 قارا داغ ۱۶۲، ۱۶۵، ۲۳۱، ۵۰۳
 قاراقالباقها ۷۶، ۲۲۹
 قارامصطفی چاقال اوغلو ۱۱۰، ۱۱۱
 قارص ۴۹، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۳۷، ۱۷۵، ۱۸۶، ۲۲۶،
 ۲۳۲، ۲۴۴، ۲۵۲، ۳۰۳

کردستان ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۴۸
 کردها، کردی ۱۲۲، ۱۹۱، ۱۹۳، ۲۲۹، ۲۲۵-۲۲۷،
 ۲۹۲، ۲۵۷
 کرگج ۱۱۲
 کرم، قاچاق کرم ۱۷۹-۱۸۳
 ککلیدزه، ۳۱۱، ۵۱۰
 کلموک‌ها، قلموق‌ها ۷۴-۷۷، ۱۰۸
 کلوسون ۴۹۳
 کمال، باشار ۲۱، ۲۵، ۴۲، ۴۴، ۴۸، ۵۰، ۹۱، ۹۴،
 ۳۲۳، ۴۵۲، ۴۵۵، ۴۵۸، ۴۶۴، ۴۷۸-۴۸۴
 کورا، رود ۲۵۹
 کوراوغلان ۵۱۶
 کوراوغلو محمد خلیفه ۱۵۴
 کورباتیر ۲۳۳
 کورساکوف ۲۱
 کوزان اوغلو ۴۵۳، ۴۵۹
 کوسه صفر ۱۲۳، ۱۳۵، ۱۸۹، ۲۲۳، ۲۴۰، ۲۴۳
 کوسه کنعان، کنعان کوسه ۳۲۲، ۳۸۲، ۴۸۳
 کوهولین ۱۷۳
 کیرزی اوغلو، فخرالدین ۱۰۹، ۱۵۴، ۳۱۴، ۲۶۷
 کیکاوس، کاووس ۵۶، ۸۳، ۱۷۶، ۱۷۷
 کیلیسلی رفعت ۴۶۹
 کیوشویلی، داوید ۲۵۴
 کزپرولو، محمدفؤاد ۱۰۳، ۱۹۸، ۳۱۴، ۴۹۴،
 ۴۹۹، ۵۱۸
 کؤگودی مرگن ۱۶۲، ۱۶۵، ۱۹۲، ۱۹۵، ۲۰۰، ۲۰۸

گ

گاور داغی ۴۵۳
 گرجستان، گرجی‌ها ۲۹، ۱۰۵، ۱۱۲، ۱۳۸، ۱۷۹،
 ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۹۳، ۲۲۹، ۲۳۶، ۲۴۰-۲۵۹
 ۳۰۴، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۲۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۵۰۳
 ۵۱۰، ۵۱۹
 گرجی اوغلو محمد ۱۹۳، ۲۲۶

قلندر اوغلو ۱۲۴، ۱۳۱
 قلندر چلبی ۱۱۸
 قلیف، علی اوسط ۱۰۹
 قمبرباتیر ۵۲۲
 قمر دابی ۲۰۸
 قوبا ۱۳۸، ۳۱۰
 قوبلای قآن ۴۹۱
 قوناز بیک ۲۴۸، ۲۴۹
 قوجایوسف ۴۴۴، ۴۸۲
 قوچار ۸۶
 قورآت ۱۶۶
 قورقولو ۹۶، ۹۷، ۲۴۵، ۲۹۲، ۲۹۳، ۳۰۱، ۳۰۲،
 ۳۱۲، ۳۱۴، ۴۶۷، ۴۸۵
 قوشابولاغ ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۹۴، ۱۹۷، ۲۶۳،
 قیرآت، در بسیاری از صفحات
 قیرخ قونجه خانم ۲۰۸
 قیسری ۱۲۶، ۴۵۹

ک

کاب داغی ۲۹۰
 کابلان، محمد ۳۱۱
 کاراجا اوغلان ← قاراجا اوغلان
 کاشغری، محمود ۲۰۹، ۲۴۸-۲۵۱، ۴۶۸-۴۷۴،
 ۴۹۹
 کافتانجی اوغلو، امید ۱۰۹، ۱۸۶، ۱۸۷، ۲۰۴،
 ۲۴۵، ۲۵۳، ۳۱۱، ۳۱۴، ۵۱۷
 کال اوغلان (کل اوغلان) ۲۵۲-۲۵۴
 کالدرون ۱۶، ۳۳۳
 کالوالا ۱۶، ۶۹-۷۲، ۴۵۲
 کاوه آهنگر ۳۱۷، ۳۱۸
 کچل حمزه، ← حمزه
 کربلایی تبریزی، حافظ حسین ۴۹۰
 کرد اوغلو، حسن ۷۶، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۹۶،
 ۲۲۲، ۲۷۵، ۲۹۴

لزگی‌ها ۲۴۶، ۲۲۹، ۱۹۳
 لک، لک‌ها ۴۹۶
 لندهور ۲۸۵
 لوریان ۸۲، ۸۳
 لونروت، ایلیاس ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۴۵۲
 لویس، جفری ۶۵
 لیسنگ ۲۰
 لیلی خانم ۲۲۶
 لیلی و مجنون ۴۷۶، ۳۱۷
 لینانو ۲۰

م
 منشه سویی ۱۱۲
 مائیلیان، آنتوان ۳۱۸
 مآدای قارا ۱۶۲، ۱۶۵، ۲۰۸
 ماد ۱۰۴، ۱۰۵
 ماراش ۱۱۱، ۱۲۶، ۱۳۵، ۲۴۴، ۳۱۱، ۴۸۴
 مارکیش، سیمون ۲۴۵
 مار، یا کولروبیج نیکلای ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۴
 ماکو ۱۱۴، ۱۴۲
 ماگومایف، مسلم ۳۱۸
 مالانیا ۱۱۱، ۲۵۷
 مساناس ۸، ۲۹، ۳۲، ۷۲-۷۶، ۸۷، ۸۸، ۱۸۴
 ۴۷۶، ۱۹۴
 مان، توماس ۲۰
 مانوکیان ۲۵۷
 مانوی ۴۲۷
 ماهر، بهجت ۳۱۱، ۲۶۱
 منقال پری ۲۳۵، ۲۹۵
 مجارستان ۲۳، ۴۶۰، ۴۶۴، ۵۲۲
 مجیدزاده، یوسف ۲۹۶
 محبویه خانم ۲۲۶، ۲۲۷
 محجوب، محمد جعفر ۲۸، ۴۴، ۴۷، ۵۱، ۶۰
 محمد (ص)، پیامبر اسلام ۶۳، ۹۰، ۲۰۳، ۲۴۱

گردآفرید ۲۲۸، ۴۹۷
 گردیه ۲۲۸
 گل اندام ۲۰۵، ۲۳۹
 گل روح ۲۴۰، ۲۴۱
 گل سرخی، ایرج ۳۱۹
 گل شیرین ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۳۹، ۲۸۹، ۲۹۰
 گلنار پری ۲۳۵
 گنبد قابوس ۱۱۲، ۴۶۲
 گنجه ۶۴، ۱۳۹، ۱۷۹، ۱۸۲
 گنجیم بیک ۲۴۰
 گوته ۱۱، ۱۶، ۲۰، ۳۷
 گوراوغلی ۲۰۲، ۲۰۷، ۲۳۵، ۲۴۴، ۲۸۹-۲۹۸
 ۳۱۲-۳۱۴، ۳۳۹، ۴۷۶، ۴۸۵، ۴۸۶
 گوردینسکی، ویکتور ۳۱۸
 گورشادخان ۲۲۹
 گورکی، ماکسیم ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۵۴، ۷۱، ۸۷
 ۴۵۲، ۱۸۸، ۱۸۰
 گوسلارها ۷۸، ۷۹
 گوکالپ، ضیاء ۱۰۴، ۱۷۰، ۴۶۹
 گوک نانری ۳۲۸
 گوکجه پشل ۲۳۱
 گون دو غدو ۴۵۰
 گوینجه گولو ۶۴
 گبزیب اوغلو مصطفی بیک ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۹۰
 ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۱۰
 گیل گمش ۳۱، ۳۲، ۱۷۰
 گیوک خان ۴۹۱
 گوک ترک‌ها ۴۳، ۴۴، ۱۰۳، ۴۵۰، ۴۵۱
 گؤل پینارلی، عبدالباقی ۱۱۷، ۴۵۷

J

لازها ۲۲۹، ۲۴۶
 لانگ فلو ۵۱۱، ۵۱۴
 لزگی احمد ۲۶۲، ۵۱۹

میرزا بیک، پدر کوراوغلو ۵۱۰
 میرزا صراف، پدر کوراوغلو ۱۰۸، ۲۱۱، ۲۳۱
 میرکاظمی، حسین ۵۱۷
 مینوی، مجتبی ۶۲، ۱۱۲، ۲۴۳
 مؤمن بیک ۲۰۵، ۲۳۹
 مؤمنه خاتون ۹۶، ۱۷۱، ۱۷۵، ۲۲۲

ن

نادرشاه افشار ۱۱۴، ۱۱۵، ۴۶۱
 نادر میرزا ۵۰۴
 نیف، آزاد ۱۷۹، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۴، ۴۸۴
 نبی، قاچاق نبی ۱۷۸-۱۸۲
 نخجوان ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۷، ۱۴۰، ۱۵۳،
 ۱۷۸، ۴۷۵، ۵۲۲
 نسطوری ۴۴۷
 نسیمی ۳۰۲، ۴۶۱
 نظامی ۱۸، ۲۶، ۳۱۸، ۴۶۱
 نعیم ۱۲۰، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۴۱، ۴۶۴
 نفیسی، سعید ۸۴
 نکر اسوف ۳۰۸
 نگار خانم، در بسیاری از صفحات
 نمگان ۴۴۹
 نوروز، داستان ۹۷
 نوری زاده، احمد ۵۲۱
 نولدکه، تئودور ۳۹، ۵۰
 نهر ۲۲، ۲۹، ۴۵، ۴۶
 نیبلونگ ۲۲، ۲۳
 نیچه ۲۲
 نیشابور ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۴۲

و

واتیکان ۶۴
 وارتابت خلو ۱۳۹
 وارتانیان ۲۵۷

۴۷۰
 مخدوم قلی ۹۰، ۹۷، ۳۱۲، ۳۱۲، ۴۶۰، ۴۶۲
 مرادپاشا قویوجو (چاه کن) ۱۲۵، ۱۳۱، ۱۴۸،
 ۲۶۲
 مراغه ۴۹۱
 مرجان خانم ۱۷۵، ۲۴۴، ۳۰۹
 مرند ۱۴۲، ۴۷۵
 مرو ۸۴
 مسزاروس ۱۷۰
 مسکوب، شاهرخ ۳۳، ۱۵۹
 مشهد ۱۰۸، ۲۳۱
 مساجرفی ۱۱۴
 مغول، مغولان ۶۸، ۷۴، ۷۵، ۲۰۲، ۳۲۸، ۴۹۵،
 ۴۹۰
 مقدونیه ۷۹، ۵۲۲
 ملا بابک، پسر مخدوم قلی ۴۶۱
 ملداوی ۲۲۹
 ملک محمد ۲۰۸
 ملک و اول ۴۹۷
 منگلی ۴۶۱
 موتسارت (موزان) ۲۰
 موتلوآی، رثوف ۲۲
 موسایف ۷۴
 موستاق باغشی ۳۱۴
 موشتیان، الیاس ۱۸۳، ۲۵۵، ۳۰۲، ۳۰۳
 مول، ژول ۳۵، ۵۹، ۱۷۳، ۱۷۵
 موللوف، موللی، رضا ۷۷، ۲۵۴، ۳۱۲
 مولوی ۱۸
 مهابهاراتا ۱۲، ۲۴، ۲۸، ۴۴، ۴۶، ۷۲، ۴۵۱
 مهری خانم ۱۷۱، ۱۷۲
 میتسکوویچ ۱۶، ۴۷۷، ۵۰۰، ۵۰۱
 میخلی بابا ۱۳۹، ۱۴۰
 میر ابراهیم قصاب، پدر عیوض ۵۱۱
 میر احمدوف، عزیز ۲۵
 میربابا، ملاحسن ۳۰۹

۴۷۸، ۴۵۲
 هونکار سلطان ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۳۷، ۲۴۳، ۲۹۰،
 ۲۹۷، ۲۹۱
 هیاطله ۴۵۰
 هبتلر ۲۳، ۲۲
 هیلد براند ۱۷۲، ۱۷۳
 هیمالیا ۱۶۲

ی

یوزنتللی، جاهید ۳۱۱
 یوگدولمیش ۴۵۰
 یازیبچی، احمد ۱۲۷
 یاشار کمال - کمال، یاشار
 یاکوت‌ها، یاقوت‌ها، قوم ۲۰۸
 بتکین، چتین ۱۳۱
 ییدی سو ۷۵
 یزیدی ۲۹۷
 یمرت ۴۶۲
 ینی چری‌های ۱۲۶، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۳۹
 ینی‌شی ۷۴، ۴۴۷
 یورداتاب، سلامی‌متیر ۳۶۰، ۳۱۱
 یوسفلی ۴۸۳
 یوسفی، غلامحسین ۶۸، ۶۹
 یوگسلاوی ۷۹
 یولداش اوغلی، فاضل ۷۷
 یسونان ۱۹، ۲۹، ۵۸، ۵۹، ۷۸، ۱۶۱، ۱۷۳،
 ۲۰۲، ۲۲۹، ۴۴۵، ۴۹۵
 ییلدیز، کوه ۱۹۷، ۲۸۹، ۲۹۱

واگنر ۲۰-۲۳، ۳۲۷، ۴۴۵
 وامبری، آرمینیوس ۹۰، ۹۶، ۲۴۸، ۴۴۹، ۴۶۰،
 ۴۶۲
 وان ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۵، ۲۵۷
 ولتر ۱۹
 ولف، اگوست ۳۶
 ولگا ۷۷
 ولیعالموف، چوکار ۷۳
 ولیف، واقف ۹۵، ۹۹، ۱۲۳، ۱۶۷، ۱۷۹، ۱۸۰،
 ۱۹۵، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۷، ۲۲۸، ۳۰۶، ۳۱۱،
 ۳۱۲
 وورغون، صمد ۱۱، ۱۲۳
 ویرزیل ۳۶، ۳۷
 ویس ورامین ۴۷، ۵۲، ۸۲

ه

هالای پوزان ۲۵۸، ۴۷۶
 هامسره‌ورگستان، زورف ۴۴۹
 هاوزر، آرنولد ۲۰، ۲۳، ۳۸، ۴۷، ۵۰، ۵۷، ۷۸
 هایدن ۲۰
 هاینه، هاینریش ۴۶
 هجر خانم ۱۷۸، ۱۷۹
 هدایت، صادق ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۲۷، ۳۸، ۵۲، ۴۴۳
 هرات ۱۵۲، ۲۳۱، ۴۴۹
 هرمدوت ۱۰۴
 هشترخان ۳۰۲
 همدان ۴۵۱
 هولاکو ۴۹۱
 هومر ۱۲، ۱۹، ۳۶، ۳۷، ۶۲، ۶۳، ۷۸، ۸۷، ۲۲۹